
IX. بایسته‌های پژوهشی

۱. چکیده طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه و دیدگاه‌های پژوهشگران / مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه و دیدگاه‌های پژوهشگران

مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه

چکیده

مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه به مدیریت پژوهشگر ژرف‌نگر، استاد رضا مختاری، طرحی برای تدوین کتابشناسی آثار شیعه تدوین کرده است. ضرورت تهیه و نشر چنین اثری، با توجه به لزوم روزآمد کردن تلاش‌های کتابشناسانه شیعی - در طلیعه یکصدمین سالگرد آغاز نگارش کتاب گران سنگ الذریعه - بر اهل نظر پوشیده نیست. بر همین اساس، این مؤسسه طرح پیشنهادی خود را به پژوهشگران ارائه کرد و جمعی از آنان دیدگاه‌های خود را به شکل مکتوب عرضه کردند، از جمله: آقایان محمد اسفندیاری، ایرج افشار، سید محمد رضا حسینی جلالی، جویا جهانبخش، ابوالفضل حافظیان، سید ابوالقاسم حسینی، محمد هادی خالقی، علیرضا ذکاوتی، جعفر سبحانی، عبدالحسین طالعی، سید حسن فاطمی، نجیب مایل هروی و مهدی محقق. در این مجموعه پاسخ‌ها، حدود یکصد نکته ارائه شده که برای گام نهادن در چنین راهی بزرگ، پشتوانه پژوهشی مهمی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: کتابشناسی شیعه امامیه / مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه / مختاری، رضا / پژوهش‌های شیعی، طرح‌ها و برنامه‌ها.

درآمد

ضرورت تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه

I. تدوین کتابشناسی شیعه از چند جهت ضرورت اساسی دارد: نخست معرفی میراث عظیم فرهنگی شیعه برای خود شیعه و معتقدان و پیروان این مکتب حیات‌بخش و نورانی؛ دوم معرفی آن به دنیای غیر شیعی و غیر مسلمان. حقیقت آن است که نه تنها اکثریت مردم شیعه بلکه بسیاری از خواص و عالمان شیعه هم از حجم عظیم و چند و چون میراث علمی شیعه بی‌خبرند، نوآوریهای عالمان شیعه در زمینه‌های مختلف و زحمات و تلاشهای طاقت‌فرسا و شبانه‌روزی آنان همچنان در پس پرده ابهام باقی مانده است و این ابهام مایه دسترسی نداشتن و استفاده نکردن از آنها، و از سوی دیگر باعث کارهای مکرر و کم‌مایه و بدون اتکا و استناد به منابع پیشین گشته است. فراوان مشاهده می‌شود که دانشمندی مدتها زحمت کشیده و در موضوعی اثری پدید آورده است که مانند یا حتی بهتر از آن

سالها پیش از آن تألیف شده بوده است و چه بسا نظر و رأیی را انتخاب کرده که با دلائل متقن در آثار پیشین مفصلاً طرح و نقد شده است. این نکته افزون بر هدر دادن امکانات و عمر گرانبهای انسانها، مایه عدم پیشرفت علم و در جازدن آن می‌شود. برای اینکه کلی‌گویی نکرده باشم بهتر است مقصود خود را با ذکر مثالی روشن کنم:

امروزه بسیاری از معاصران دربارهٔ غنا و موسیقی رساله‌ها و آثار مستقل پدید آورده‌اند و به جرأت می‌توان گفت که همه یا اغلب مؤلفان آنها حتی بر پنج رسالهٔ فقهی ویژهٔ غنا از فقیهان پیشین وقوف نداشته و از آنها استفاده نکرده‌اند، دیگران نیز به طریق اولی همین تعداد رسالهٔ ویژهٔ غنا را نمی‌توانند نام ببرند، چون از وجود آنها آگاهی ندارند. مگر کسانی که مدتها در این موضوع از این زاویه کار کرده‌اند. و نتیجهٔ نظری را به کرسی نشانده‌اند که سالها پیش با ادلهٔ متقن و دقیق رد شده است. در حالی که فقیهان سلف ما از زمان محقق سبزواری (د: ۱۰۹۰ هـ) تاکنون بیش از چهل رسالهٔ فقهی ویژهٔ غنا تألیف کرده‌اند که ما به فضل الهی با فحص زیاد به حدود سی عدد از آنها وقوف یافتیم و با کمک دوستان تصحیح کردیم که در مجموعهٔ میراث فقهی (۱) غنا و موسیقی، منتشر شده است. گرچه برخی از این رساله‌ها سخن تازه‌ای ندارند ولی بسیاری از آنها مشتمل بر تحقیقات عالی و زیبا در این موضوع است که نمی‌شود بدون مراجعه به آنها در این موضوع قلم زد، در حالی که باید امروزه بر میراث گذشتگان وقوف یافت و کار و تحقیقات آنان را ادامه داد و به پیشرفت علم کمک کرد.

ممکن است گفته شود با مراجعه به کتابشناسی‌های شیعه مانند ذریعه می‌شود بر این آثار وقوف یافت. ولی جان کلام اینجاست که در ذریعه نیز حدود یک سوم رساله‌های موجود غنا معرفی شده است و علاوه بر این، از لحاظ کیفی هم این معرفی ناقص است و با مراجعه به ذریعه نمی‌توان از چند و چون آنها آگاه شد. خود اینجانب هم حتی پس از مدتی فحص و مطالعه در این موضوع، احتمال نمی‌دادم حجم رساله‌های غنا این مقدار باشد.

همین نکته در سایر موضوعات مانند رؤیت هلال هم صادق است. تا پیش از برپایی کنگرهٔ شیخ مفید و مقدس اردبیلی (رضوان الله علیهما) بسیاری از خواص هم از حجم عظیم کارهای علمی و نظریات این دو بزرگوار بی‌اطلاع بودند و این نشان می‌دهد که میراث مکتوب شیعه حتی برای خواص شیعه ناشناخته مانده است. آگاهی از آثار علمی گذشتگان ثمرهٔ مهم دیگری که دارد پرداختن به روشهای نو برای عرضهٔ حقایق علمی و جلوگیری از تکرار مکرات است. علاوه بر این، بسیاری از آثار علمی و شناخته شدهٔ ما مانند کتب اربعه، بحار، آثار شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی فقط نامشان معروف است و از چند و چون و زوایای آنها بسیاری از خواص هم بی‌اطلاعند چه رسد به دیگران؛ و اینها همه به علاوهٔ دلائلی دیگر، ضرورت تدوین کتابشناسی شیعه را به صورتی که خواهد آمد روشن می‌سازد.

از سوی دیگر، بهترین معرّف مذهب ما و بیان‌کنندهٔ حقیقت و چگونگیهای آن، آثاری است که بزرگان این مکتب سامان داده‌اند، و برای دفع تهمت‌های مخالفان و نشان دادن اصالت این مکتب، هیچ راهی بهتر از عرضه کردن و شناساندن درست و فنی و همه‌جانبهٔ آثار این مکتب نیست. افزون بر این، ما رکنهای رکن مذهب خود را با آثارشان می‌شناسیم. شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، محقق حلّی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامهٔ حلّی، شهیدین، فیض کاشانی و علامهٔ مجلسی (قدّس الله اسرارهم) را آثارشان به ما شناسانده است نه چیز دیگر.

امروزه ما باید از سهم هر یک از این بزرگان در پیشبرد رشته‌های مختلف فقه و اصول، فلسفه، کلام، اخلاق، تفسیر و... آگاه باشیم و کار را از آنجا که آنان رها کرده‌اند ادامه دهیم نه اینکه فقط مصرف‌کننده باشیم و به فهم آراء این بزرگواران اکتفا کنیم. و این امر مستلزم شناخت دقیق آثار آنان، و شناخت دقیق آثار آنان متوقف بر تدوین کتابشناسی شیعه به شکلی است که خواهد آمد.

II. می‌دانیم که کتابشناسیها و فهرستهای مهم شیعه را نیاز زمان و انگیزه دفاع از تشیع به وجود آورده است؛ مثلاً سبب تألیف ذریعه این بود که جرجی زیدان ادیب مسیحی عرب در تاریخ آداب اللغة العربیة نقش شیعه را در بنای فرهنگ اسلامی بسیار اندک شمرده بود. این امر بر علمای شیعه گران افتاد و تنی چند از آنان گرد هم آمدند، و سه تن از ایشان به قصد معرفی دانشمندان این مذهب و آثار آنان و دفع دعوی باطل جرجی زیدان و امثال او تصمیم گرفتند که اقدام کنند و آقا بزرگ تألیف ذریعه را بر عهده گرفت.

حدود هزار سال پیش نیز سلف صالح تهرانی یعنی نجاشی، رجالی بزرگ شیعه، فهرست معروف خود - مشهور به رجال نجاشی - را به همین منظور سامان داد.

شیخ طوسی معاصر نجاشی نیز از کثرت و پراکندگی آثار شیعه در آبادیها و سختی احاطه بر همه آنها سخن گفته است.

حقیقت آن است که امروز نیز دنیای غیر شیعی با آثار شیعه امامیه بیگانه است و آن را نشناخته است. بنگرید که دکتر وهبه زحیلی، که به ایران هم رفت و آمد می‌کند و فی الجمله با شیعه آشناست، در اثر معروفش الفقه الإسلامی و أدلته درباره شیعه و مؤسس مکتب فقهی شیعه امامیه چه گفته است:

سابعاً - أبو جعفر، محمد بن الحسن بن فزوخ الصفار الأعرج القُنی المتوفی سنة ۲۹۰ هـ - مؤسس مذهب الشیعة الإمامیة فی الفقه ...

و این فزوخ هو المؤسس الحقیقی لفقه الشیعة الإمامیة فی فارس فی کتابه بشارت [کذا] الدرجات فی علوم آل محمد، وما خصهم الله به طبع سنة ۱۲۸۵ هـ.

III. بزرگان و پیشینیان ما با زحمات طاقت‌فرسا و غیر قابل تصور برای ما، هر کدام وظیفه خود را در معرفی و احیای آثار امامیه بخوبی انجام داده‌اند. زحمات علامه امینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی در این زمینه زیانزد است. محدث نوری و میرحامد حسین برای دستیابی و شناخت و معرفی آثار شیعه - یا آثاری که بتوان حقایق مذهب شیعه را با آنها اثبات کرد - جانفشانیها کرده‌اند. نمونه‌ای از زحمات محدث نوری در این راه از نامه‌هایی که برای میرحامد حسین نوشته مشهود است.

این بزرگان در زمان خود با نبود امکانات و خون دل خوردن بسیار و تلاشهای طاقت‌فرسا وظیفه خود را بخوبی انجام دادند؛ ولی امروزه همه امکانات برای کارهای علمی و خدمت به تشیع - از جمله تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه - مهیاست. در زمانی که تهرانی به تألیف و نشر ذریعه دست زد، جز چند جلد معدود فهرست نسخه‌های خطی وجود نداشت، کتابخانه‌های عمومی و قابل دسترسی و وسایل ارتباطی و چاپ و نشر بسان امروز نبود، بسیاری از کتابهای تراجم و رجال و تذکره و نیز عمده آثار شیعه با چاپ نشده بود و یا به صورت چاپ سنگی و مغلوط و بدخوان

و بدون فهرستهای راهنما و گاه بدون صفحه شمار بود. ولی امروزه همه گونه امکانات مهیاست، و تنها در ایران - گذشته از کشورهای دیگر - بیش از چهار صد مجلد فهرست نسخه‌های خطی، افزون بر تحقیقات کتابشناسی دیگر، منتشر شده است، همچنین میکرو فیلمها و عکسهای از مخطوطات خارج از ایران تهیه و فهرست شده است و بسیاری از آثار شیعه به صورت محققانه و با چاپی مصحح عرضه شده‌اند، علاوه بر اینکه استفاده از نرم افزارها می‌تواند معدّ خوبی برای این کار عظیم باشد. و اگر امروز از این فرصت طلایی برای معرفی تشیع به جهان استفاده نکنیم بدون تردید فردا مسؤول خواهیم بود.

تلاشها و کوششهای گذشتگان ما مانند شیخ المشایخ شیخ آقا بزرگ تهرانی (طَبَّيبُ الله نفسه) هر چند در خور ارجمندی بسیار است و در زمان خود بهترین کار ممکن بوده است و هنوز هم مهمترین منبع در زمینه کتابشناسی شیعه است، ولی امروزه نباید به آن اکتفا کرد، زیرا نواقصی دارد و نمی‌شود آن را بدین صورت به دنیای غیر شیعی عرضه کرد.

بنابراین کتابشناسیهای موجود شیعه و از همه مهم تر ذریعه، با همه عظمت و محاسنی که دارند، و ما و امदार زحمات و کوششهای خالصانه مؤلفان آنهایم، برای این منظور کافی نیست؛ هر چند باید از همه آنها در پی ریزی بنای عظیم کتابشناسی کتب شیعه استفاده کرد و آنها را در حقیقت پیش نویس این اثر بزرگ دانست.

IV. آنچه در این طرح مدنظر است، افزون بر فواید کتابشناختی - که در جای خود خیلی ارزنده است - فایده کلامی و جهت دفاع از تشیع در این طرح است و در حقیقت این طرح بیشتر صبغه کلامی و عقیدتی دارد تا صبغه کتابشناختی؛ یعنی این کتابشناسی معرفی آثار شیعه امامیه به جهانیان و نوعی دفاع غیر مستقیم از این مکتب حیات بخش است.

حقیقت آن است که شیعه و رهبر بزرگ آن هنوز مظلوم است و این مظلومیت در ادوار و اعصار مختلف جلوه‌های گوناگونی داشته است که ذیلاً به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

سرگذشت مولا امیر المؤمنین (علیه صلوات الله ورسله و ملائکته أجمعین) و خلیفه دوم و سوم را در الموسوعة الفقهية (چاپ کویت) بخوانید و با یکدیگر مقایسه کنید. در سرگذشت خلیفه دوم و سوم پس از تجلیلهای بسیار می‌خوانیم:

...قتله أبولؤلؤة المجوسی، وهو یصلی الصبح.^۱

...قتله بعض الخارجین علیه بداره یوم الأضحی، وهو یقرأ القرآن.^۲

ولی در سرگذشت حضرت امیر گفته‌اند: «فلم یستقم به الأمر حتی قتل بالکوفة»^۳ و حداقل نگفته‌اند در مسجد به شهادت رسید.

۱. الموسوعة الفقهية، ج ۱، ص ۳۳۶. به نقل از الفکر الإسلامی، شماره ۱۶، ص ۲۵۷.

۲. الموسوعة الفقهية، ج ۱، ص ۳۶۰. به نقل از الفکر الإسلامی، شماره ۱۶، ص ۲۵۷.

۳. الموسوعة الفقهية، ج ۱، ص ۳۶۱. به نقل از الفکر الإسلامی، شماره ۱۶، ص ۲۵۷.

نمونه دیگر اینکه در دائرة المعارف اسلام درباره امام صادق علیه السلام در چاپ اول تنها هجده سطر (در ترجمه عربی هفت سطر) که آن هم خالی از اشتباه و غرض نیست، آمده است و یا مقاله «ابوذر غفاری» فقط چهار سطر است که حتی به شیعه بودن وی نیز اشاره نشده است. در خلاصه یک جلدی همین دائرة المعارف درباره عمامه سه صفحه و نیم مطلب آمده است ولی حتی نام شیخ طوسی در آن نیامده است.^۱ همچنین در دائرة المعارف فرید و جدی (۱۲۹۵ - ۱۳۷۳ هـ) ذیل «اسلام» یا «ایمان» چیزی نیامده ولی درباره «بابیه» مقاله‌ای در حدود دوازده صفحه آمده است. نیز درباره سلمان فارسی فقط به این عبارت اکتفا شده است:

سلمان الفارسی وبسمی الخیر، کان من فضلاء الصحابة وأصله من أصبهان، أول مشاهده وقعة خندق، توفي سنة ۳۴.

نمونه دیگر مقاله «شیعه» است در شش سطر، ولی مقاله «قرامطه» در بیست و یک صفحه.^۲
دکتر عبدالجواد فلاطوری سالها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی گفته است:

اگر محض امتحان، تمام کتب و مقالاتی را که در بیست و پنج ساله اخیر به زبانهای مختلف غربی درباره اسلام و ممالک اسلامی منتشر شده از نظر بگذرانیم و شماره کنیم (این جانب این کار را بر اساس مجله معروف Abstracta islamica از سال ۱۹۴۳ م به بعد انجام داده‌ام) بسادگی به این نکته برمی‌خوریم که از بین هر صد نوشته‌ای که درباره اسلام دیده می‌شود، فقط دو عدد به غیر اهل سنت و جماعت مربوط است و از این مقدار اندک نیز تازه از بین هر هفت نوشته، یک کتاب با یک مقاله به شیعه اثناعشری اختصاص یافته، یعنی تقریباً از هر سیصد و پنجاه کتاب و مقاله، یک عدد به شیعه دوازده امامی ارتباط دارد که بسیار کمتر از نوشته‌هایی است که درباره شیعیان زیدی و اسماعیلی مشاهده می‌شود. علت این امر هر چه باشد فعلاً مورد بحث نیست، آنچه برای ما مهم است قضاوت‌هایی است که در این نوشته‌ها درباره شیعه دیده می‌شود از قبیل: شیعه فرقه سیاسی‌ای بیش نیست، شیعه پیرو معتزله است، شیعه فکر توارث سلطنتی قدیم ایران را درباره فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله اجرا نموده و به جای توارث قدرت سلطنت، توارث نیروی معنوی امامت را قائل گشته. شیعه معتقد به تحریف قرآن است... شیعه تحت تأثیر فکر مسیحیت قائل به قربانی فرد مقدسی (منظور امام سوم علیه السلام است) برای نجات دادن امت از گناهان خود است، و بالاخره شیعه یک نوع فرقه صوفی منش تخیلاتی است. این قضاوتها هنوز هم رایج است و حتی در دائرة المعارف اسلامی مشاهده می‌شود.

برای محقق صادق و بی غرض امکان انکار وجود علل و عواملی که به قضاوت‌های فوق منجر گشته نیست و بلکه به عکس درست به همین دلیل و برای اینکه بتواند نشان بدهد که این نوع عقاید ویژه طبقه خاصی از شیعیان بوده و در فوق آن، طبقاتی عالی‌تر با افکار علمی دقیق وجود دارد، لزوم «تحقیق علمی» صحیحی را مبتنی بر اساس و اصول آزمایش شده و همه جانبه احساس می‌کند.^۳

۱. طرح تدوین دائرة المعارف تشیع، ص ۲۰. ۲. طرح تدوین دائرة المعارف تشیع، ص ۳۶.

۳. یادنامه علامه امینی، ص ۴۳۶ - ۴۳۷، مقاله «تحقیق عقاید و علوم شیعی».

طرح تدوین دانشنامه آثار مکتوب شیعه

الف. اهداف

۱. معرفی دقیق و جامع و همه جانبه آثار علمی شیعه به جهان امروز.
۲. دفاع کلامی غیر مستقیم از شیعه و تبیین دیدگاه‌های کلامی شیعه.
۳. ارائه و تدوین دقیق تاریخ علم در مذهب شیعه مانند تاریخ التراث العربی از سزگین و تاریخ‌الادب‌العربی از بروکلمان، که البته نقش شیعه در این دو اثر تقریباً نادیده انگاشته شده است.

ب. محتوا

۱. محتوای دانشنامه، معرفی دقیق و تفصیلی تمامی تألیفات عالمان شیعه امامیه از آغاز تا پایان سال ۱۴۰۰ ق یعنی تا آغاز سده پانزدهم هجری است، زیرا طی سال‌های تألیف کتابشناسی، آثار بسیاری پدید می‌آید و اگر محدوده کار مشخص نباشد همواره باید در آن دست برد. سال ۱۴۰۰ هم رقم رندی است و هم تقریباً مصادف با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. آثاری که پس از این تاریخ تألیف شده است، در مستدرک و تألیفی جداگانه شناسانده می‌شود.
۲. در این اثر تنها آثار امامیه معرفی می‌شود تا هم به انجام رساندن آن آسان باشد و هم نشانه توجه ویژه به فرقه ناجیه. البته از آثار غیر امامیه در تألیف این اثر استفاده خواهد شد و گاه به طور ضمنی شناسانده می‌شوند؛ مانند آن قسم از شروح و حواشی کتاب‌های امامیه که پدید آورندگان آنها غیر امامی هستند.
۳. برخی آثار حاوی مطالبی است که نظر امامیه و اکثر علمای این مکتب با آن موافق نیست. باید ضمن معرفی روشن ساخت که این مطالب منعکس‌کننده دیدگاه بیشتر عالمان امامی نیست و نظر ویژه مؤلف اثر مزبور است.
۴. معرفی بسیاری از آثار - نه همه آنها - باید تفصیلی و گسترده و مشتمل بر این نکات باشد:
 - موضوع، زبان و نام دقیق و کامل کتاب و نیز نام‌هایی که به آن شهرت دارد یا با آن نام‌ها از آن اثر یاد می‌شود؛
 - نام و لقب مؤلف یا مترجم و تاریخ تولد و وفات آنها؛
 - ذکر نام مهدی الیه؛
 - تاریخ دقیق شروع و پایان تألیف و این که آیا نویسنده در آن تجدید نظر کرده یا نه؛
 - ارزش علمی کتاب؛
 - خلاصه محتوای کتاب؛
 - روش مؤلف در تدوین و بخش‌بندی؛
 - کتاب‌هایی که از اثر مورد بحث به نحو محسوس و ملموس تأثیر پذیرفته‌اند؛
 - ذکر همه نسخه‌های خطی و در مواردی مهم نسخه‌های خطی کتاب؛
 - یادآوری منابع پژوهش بیشتر درباره کتاب؛

- کتاب چاپ شده است یا نه؟ بر فرض چاپ، تعداد چاپ‌ها، اوصاف و مشخصات دقیق آنها و در صورت عدم چاپ، ذکر آغاز و انجام؛

- یادکرد اجمالی شروع، حواشی، تعلیقه‌ها، ترجمه‌ها، تلخیص‌ها، مستدرک‌ها، ردیه‌ها و نظم کتاب؛
- ذکر دیگر آثار نویسنده که در اثر مورد بحث، نام برده یا به آنها ارجاع داده است و نیز تصریح به عدم آن در صورتی که نامی از دیگر آثارش نبرده باشد؛

- ذکر مواردی که نویسنده در دیگر آثارش از اثر مورد بحث یاد کرده است؛
(دو مورد اخیر در صحت انتساب کتاب‌ها نقش اساسی دارد.)

- فواید گوناگون علمی، تاریخی و کتابشناختی که از آثار استفاده می‌شود؛ مانند نام بردن و نقل از کتاب‌هایی که اکنون مفقودند.

۵. برای نشان دادن عظمت شیعه و آثار علمی‌اش نباید در فکر بالا بردن شمار آثار شیعه بود. بلکه باید کیفیت عالی و محتوای ارزشمند آنها را تبیین کرد و این نکته در معرفی‌ها مد نظر قرار گیرد، هر چند تعداد مؤلفات کم باشد.
۶. در شناخت مؤلفان شیعی نباید به نوشته تذکره‌نویسان اکتفا کرد، زیرا چه بسا عالمی در ستار تقیه بوده است.
۷. در یافتن آثار عالمان شیعه نیز نباید به کتاب‌های تذکره، رجال و تراجم بسنده کرد، زیرا بسیاری از آثار شیعه در این گونه کتاب‌ها مذکور نیست، بلکه به مناسبت، در سایر کتاب‌ها از آنها نام برده شده است.
۸. بسیاری از آثار شیعه که نامشان در کتاب‌های تراجم و رجال آمده امروزه در دست نیست، ولی در بسیاری کتاب‌ها مطالبی از آنها نقل شده است. در شناساندن این گونه آثار باید به کتاب‌هایی مراجعه کرد که مطالب آنها را نقل کرده‌اند و نباید به ذکر نامشان و این که امروزه مفقود شده‌اند، بسنده کرد.
۹. سرگذشت کوتاه و متقن و مستند هر مؤلفی هنگام معرفی اولین اثر او، درج و هنگام معرفی آثار آن مؤلف، به مورد اول ارجاع داده شود. بهتر است تاریخ درگذشت هر نویسنده، نام آثار وی به اجمال ذکر شود تا یکجا فهرست آثار او قابل رؤیت و مراجعه باشد.
۱۰. برخی اصطلاحات و عناوین - که موضوع یا نام یک کتاب خاص نیست - جداگانه به طور مشروح توضیح داده شود. چنان که مرحوم آقابزرگ در الذریعه این کار را انجام داده است. مثلاً عنوان‌های اجازات، تقریرات، اربعین و نیز تعریف دقیق علوم و ...

ج. روش تدوین

۱. کتاب‌ها به ترتیب الفبایی نام آنها معرفی می‌شوند و هرگاه دو یا چند کتاب دارای یک نام باشند، به ترتیب تاریخ وفات نویسندگان یا تاریخ تألیف اثر مرتب می‌شوند. ملاک، نام صحیح کتاب یا نامی است که مؤلف بر آن نهاده و سایر اسامی، ولو مشهور باشند، به عنوان اصلی ارجاع داده می‌شوند.
۲. هر کتاب دارای یک شماره خواهد بود؛ آن هم جایی که معرفی می‌شود، و هنگام ارجاع سایر عنوان‌ها به عنوان اصلی، بدون شماره خواهد بود. از آغاز تا آخر همه مجلدات، شماره‌ها مسلسل است.
۳. بسیاری از کتاب‌ها دارای سبک و سیاق واحدند؛ مانند رساله‌ها و کتاب‌های جواب سؤالات، که مؤلفان نامی

بر آنها نهاده‌اند. در نتیجه در کتابشناسی‌ها نام‌های گوناگون بر آنها گذاشته‌اند. در این قبیل موارد، بهترین عنوان انتخاب، و سایر عنوان‌ها به آن ارجاع داده می‌شود.

۴. آثار وابسته، مانند شرح‌ها، مستدرک‌ها، ترجمه‌ها و... ذیل معرفی هر اثر ذکر می‌شوند.

۵. نام آثار مشابه، ذیل هر معرفی ذکر می‌شود.

۶. با استفاده از ارجاعات دقیق و روشمند از تکرارهای بی‌ثمر پرهیز می‌شود.

۷. نمونه‌هایی از دستخط علمای شیعه و تصویر صفحاتی از نسخه‌های خطی مهم و معتمد، در مواضع مناسب، کلیشه می‌شود.

۸. در پایان هر جلد، انواع فهراس راهنما (از قبیل فهرست موضوعی، مثلاً فهرست کتابهای فقهی، فلسفی، کلامی و...، فهرست تألیفات و آثار هر قرن، فهرست آثار مفقود، فهرست آثار موجود مخطوط، فهرست آثار فارسی، آثار عربی، و نیز دیگر زبانها) درج و پس از نشر همه مجلدات، چند جلد فهرست راهنما تدوین و چاپ می‌شود.

۹. در آغاز، یک جلد به عنوان مدخل و مقدمه، تألیف و چاپ می‌شود. شامل معرفی فهرست‌های نسخه‌های خطی جهان، معرفی کتاب‌های تراجم و رجال و تذکره و کتابشناسی، روش و چگونگی‌های کار تألیف کتابشناسی، توضیحاتی درباره تشیع و سابقه و خدمات و خاستگاه آن، «منشور عقاید شیعه» که به تأیید اکثر عالمان طراز اول شیعه برسد و جلوسیل اتهامات مخالفان تشیع را بگیرد.

۱۰. این اثر به زبان فارسی تدوین، و سپس به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه می‌شود و به هر سه زبان به صورت نشر الکترونیکی نیز عرضه خواهد شد.

د. چند تذکر

۱. به سامان رسیدن این طرح، کار یک یا دو یا ده نفر نیست؛ بلکه باید عده زیادی از اهل خیره در دانش‌های گوناگون، که با چگونگی‌های کار نیز آشنا باشند، این اثر را تدوین کنند و هر کدام به معرفی کتاب‌های مربوط به رشته خود بپردازند.

۲. پیش‌بینی می‌شود حجم چنین اثری حدود سی جلد در قطع رحلی مانند دانشنامه جهان اسلام و هر جلدی هفتصد صفحه و جمعاً بیش از بیست هزار صفحه رحلی شود.

۳. در کتاب ارزشمند ذریعه با همه عظمتی که دارد حدود پانزده درصد این طرح عملی شده است.

۴. برای زودتر به ثمر رسیدن کار می‌توان مرحله اول اجرای طرح را مثلاً به آثار شیعه تا پایان سده دهم محدود کرد. و بقیه آثار را در دوره دوم اجرای طرح معرفی کرد، که در این صورت می‌توان در حدود ده تا پانزده سال، مرحله اول طرح را اجرا کرد. و پیش‌بینی می‌شود در صورت وجود امکانات و همکاری حدود یک صد نفر محقق، این کار طی بیست سال به سرانجام برسد.

۵. «طرح تفصیلی تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه» نه سال پیش یعنی به سال ۱۳۷۶ هـ ش به قلم این بنده به صورت کتابی منتشر شد و اکنون مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه تأسیس و عملاً مقدمات کار به فضل و عنایت الهی شروع شده است:

وساعدٍ ليس تُسْتَفِيهِ السُّلَيْمَاتُ

بعزيمةٍ دونها الميترقُ منزلةٌ

فلا تقنع بما دون النجومِ

إذا ما كنت في أمرٍ ترومِ

فعالیت‌های جنبی

- الف) تأسیس کتابخانه تخصصی فهراس نسخ خطی، و کتابشناسیها.
 ب) تأسیس کتابخانه بزرگ آثار شیعه؛ یعنی حداقل یک نسخه از همه آثار شیعه (اعم از خطی و چاپی) تهیه و در این کتابخانه نگهداری و در معرض دید و استفاده پژوهشگران قرار خواهد گرفت.
 ج) تدوین فهرستگان جهانی نسخه‌های خطی آثار شیعه.
 مستدعی است هرگونه نظر یا پیشنهادی در این زمینه دارید، با ما به این نشانی در میان بگذارید:
 قم: ص پ ۳۷۱۸۵/۹۱۶، مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه.

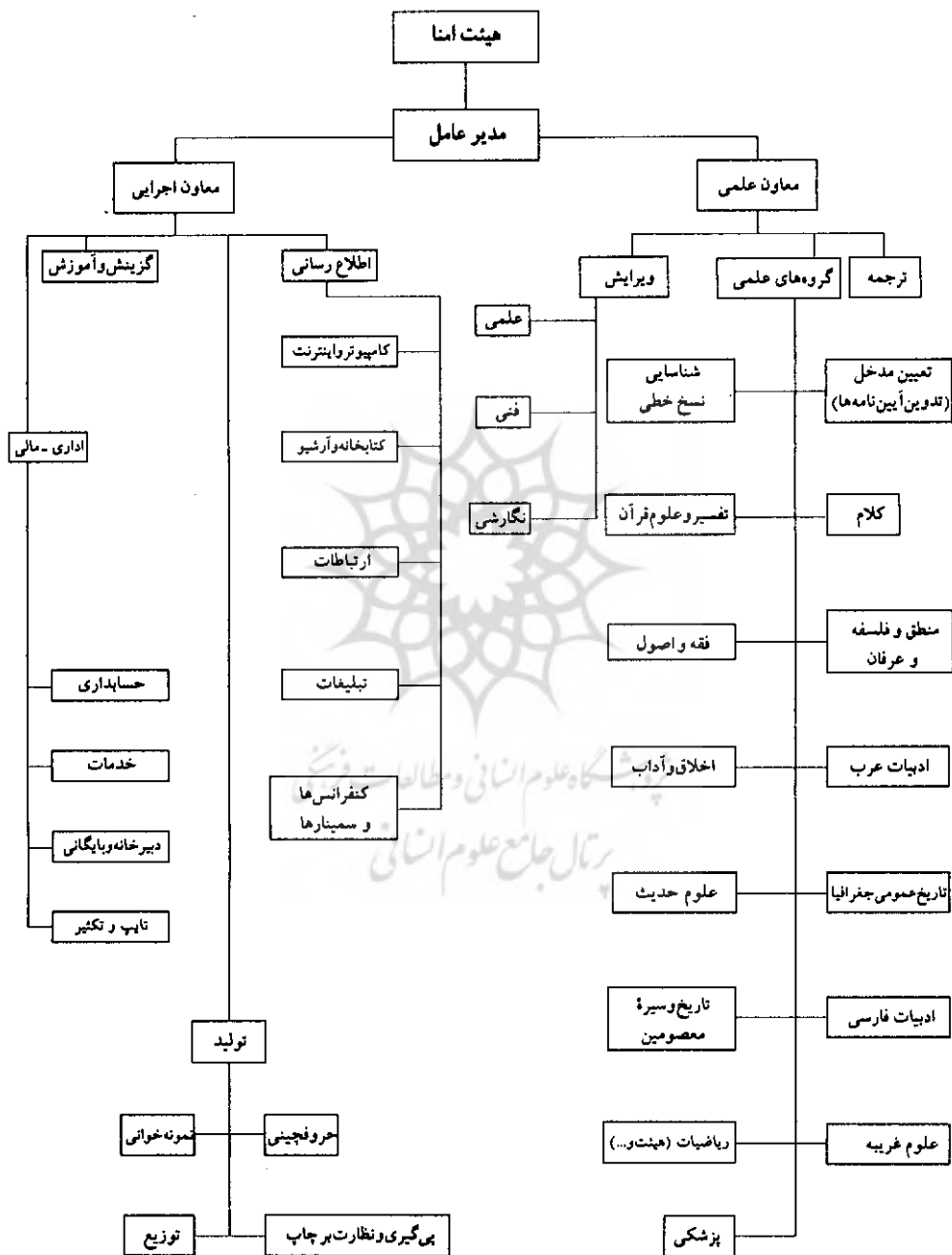
تلفاکس: ۷۷۴۲۸۵۰

تلفن: ۷۷۴۰۲۵۴ و ۷۷۴۰۲۱۱

پست الکترونیک (E-mail): r-mokhtari@noornet.net

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

نمودار تشکیلات «مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه»



چند نظر درباره «چکیده طرح کتابشناسی بزرگ شیعه»

این طرح برای چند تن از صاحبزنان، فاضلان و اساتید حوزه و دانشگاه ارسال و از آنها خواسته شد نظر خود را درباره آن بنویسند. عده‌ای - از جمله حضرات آیات جوادی آملی، سید احمد مددی، و حجة الاسلام آقای حسن طارمی و حضرات آقایان استاد محمد رضا حکیمی، استاد شفیع کدکنی - شفاهی نظر خود را گفتند و شماری هم نوشتند. آنچه در پی می‌آید نظر چندی از کارشناسان به ترتیب الفبایی نام آنهاست که مشتمل بر نکات بس سودمندی است:

❖ محمد اسفندیاری ❖

باسمه تعالی و له الحمد

چکیده طرح تدوین کتابشناسی فی الجمله ملاحظه شد. به استحضار می‌رساند:

۱. اینکه در اهداف، «دفاع کلامی غیر مستقیم از شیعه...» آمده و در چند جا بر آن تاکید شده است، درست نمی‌نماید؛ به دلایل فراوانی؛ از جمله اینکه در دانشنامه‌نگاری (که گُل اطلاع رسانی است)، نباید ملاحظات عقیدتی باشد. اینکه امروزه فراوان ما را نقد می‌کنند که ایدئولوژی زده هستید، یعنی همین. آری، از نتایج این کار، معرفی جنبه کلامی شیعه است؛ اما هدف نیست.

هرکه کارد قصد گندم باشدش کس، خود اندر تبع می‌آیدش

۲. در چند جا آمده است که محتوای دانشنامه معرفی همه آثار عالمان شیعه است، به نظرم نباید این راه را بروید؛ به هزار و یک دلیل. بنا را بر معرفی آثار مهم و متوسط بگذارید. والا دانشنامه‌ای خواهید داشت مشتمل بر معرفی بسا آثاری که ارزش مقاله نویسی ندارد. آیندگان نیز این دانشنامه را در پنج جلد - شامل آثار شاهکار - خلاصه خواهند کرد. در عصر انفجار اطلاعات، دانشنامه سی جلدی کتابشناختی فقط زینة المكتبة خواهد شد.

۳. پیشنهاد می‌شود این دانشنامه در پنج جلد (حدًا کثر ده جلد) در نظر گرفته شود.

۴. «فلا تقنع بما دون النجوم» فقط به کیفیت است. شاعر گفت:

مرا کیفیت چشم تو کافی است ریاضت‌کش به بادامی بسازد

۵. آیا حضرت عالی استحضار دارید که هر مقاله دانشنامه‌ای در حدود سیصد تومان، به ازای هر کلمه، هزینه برمی‌دارد؟ حقّ التألیف، به ازای هر کلمه پنجاه تومان، یکی از آنهاست.

۶. الا و لابد باید نویسنده تربیت کنید. نیست که نیست. در ضمن کارهای مؤسسه این موضوع نادیده مانده است. باید در همین قم، بیست طلبه جوان و عاشق را بیابید و از آنها نویسنده بسازید.

۷. این دانشنامه نیازمند چندین شیوه‌نامه است؛ از جمله:

شیوه‌نامه مدخل‌گزینی؛

شیوه‌نامه نگارش؛

شیوه‌نامه ویرایش؛

شیوه‌نامه ارجاعات؛

شیوه‌نامه حروف نگاری؛

شیوه‌نامه نمونه خوانی، الخ.

۸. سفارش مقاله باید به صورت انبوه و خوشه‌ای باشد. اگر صد نفر صد مقاله بدهند صد آهنگ می‌زنند. بهتر اینکه از ده نفر، صد مقاله گرفته شود.

به قصد عرض ادب - شتابانه - این چند نکته نوشته شد. سخن بسیار است (به اندازه یک کتاب). قطعاً حضرت عالی در این کار موفق خواهید شد. ان شاء الله را هم از آن رو می‌گویم که دستور است.

با تجدید احترام

۱۳۸۴/۸/۲۴

◆ ایرج افشار ◆

با احترام

هر کتابشناسی کلیدی است اصلی و اساسی برای گسترش پژوهش، مشروط بر آن که نسبت به پیشینه برتر و مطابق اصول جدید فهرست نگاری باشد.

◆ حجت الاسلام والمسلمین سید محمد رضا حسینی جلالی ◆

۱. فصلنامه‌ای برای چنین کاری و گزارش فعالیت‌ها لازم است.
۲. مطالب این دانشنامه باید خالی از هرگونه غرض و حب و بغض، و باروش علمی، مؤدبانه و واقع‌بینانه و به دور از جهت‌گیری فرقه‌ای، حزبی و سیاسی تدوین شود.
۳. از گزافه‌گویی و مبالغه - چنان که در برخی تذکره‌ها یا تک‌نوشته‌ها دیده می‌شود - باید پرهیز کرد.
۴. مقاله‌های علمی که بعضاً از یک کتاب بهتر و قوی‌ترند نیز باید معرفی شوند.
۵. کتابهای بی‌ارزش که ثمره علمی ندارند نباید معرفی شوند.
۶. کتابهایی که وجود خارجی ندارند و عنوان بی‌معن و اسم بی‌معنی هستند، و برخی در شرح حال خود یا بستگان خود از آنها نام برده‌اند معرفی نشود.
۷. واژه‌ها و اصطلاحاتی که مکرر در کتابشناسی به کار می‌رود باید دقیقاً تبیین شود.
۸. همزمان با تدوین دانشنامه به زبان فارسی، ترجمه آن به زبان عربی و انگلیسی آغاز شود تا از وقت بهره‌برداری، و فاصله اصل و ترجمه کم گردد.
۹. نام نویسنده هر مدخل - چنان که رسم دائرة المعارفهاست - ذکر شود.

۱۰. علاوه بر امامیه، آثار فِرَاقِ دیگر شیعه مانند زبیدی، اسماعیلیه و واقفه نیز معرفی شود؛ چون در اصول با اثناعشریه متفق اند و مشترکات زیادی با امامیه دارند، و از سوی دیگر تراث آنها چندان زیاد نیست و می توان بدین وسیله به آنها نزدیک شد.

۱۱. علاوه بر پژوهشگران قم، باید از محققان سایر شهرها و کشورها نیز استفاده کرد.

❖ جویا جهانبخش ❖

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ مَنْ عَلَیْنَا بِمَحَمَّدٍ نَّبِیْهِ ﷺ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ.

امثالیه

(سخنی درباره طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه)

یا شُهره خاص و عام می باید بود
در وادی خود تمام می باید بود

یا صاحب ننگ و نام می باید بود
القضه، کمال جهد می باید کرد

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

من این دو حرف نبشتم چنانکه غیر ندانست

۱. دوست و استاد دانشور و ارجمندم، حضرت حجة الإسلام والمسلمین حاج شیخ رضا مختاری - اَدَامَ اللّٰهُ ظَلَّهُ الشَّرِیْفَ -، که مصداقِ اَتَمِّ «مَنْ إِشَارَتُهُ حُكْمٌ وَ طَاعَتُهُ عُنْمٌ» است، مرا فرموده تا رأی و پندارِ خویش را در باب طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه به قلم آورم. اگرچه داعی را اَهْلِیَّتِ چنین داوری ها نیست، تن زدن از فرموده این نازنینِ مَرْدِ عَزِیز و شَرِیْفِ را - که با همه جوانی حقی بزرگ بر گردن قاطبه دوستدارانِ ثُرَات و ثُرَاتِ پِزْوَمِی در حوزه مطالعاتِ اِمَامِی دارد و این بنده دیربست نواله گزینِ خوانِ مکتوباتِ اویم - روانمی شمارم.
بدین سان، آنچه درین مقام قلم انداز می شود، جُزِ بازگفتِ چند نکته ای نیست که دعاگو را در مطالعه آن طرح فرا خاطر آمده است - و مِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقِ.

۲. پیش و بیش از هر چیز باید درستی راه و اِصَابَتِ نظرِ استادِ مختاری و همفکرانشان را مورد تأکید و تحسین قرار دهم و آفرین بخوانم بر نگاه ژرف ایشان که بهترین راه «شناساندن» تشیع دوازده امامی و درست ترین شیوه «دفاع» از این مکتب را، در شناختن و شناساندن «میراثِ مکتوب» عالمان و اندیشه گرانِ اِمَامِی مذهب دیده و یافته اند. این است و جُزِ این نیست!

راقم این سطور اگرچه خود گرایشهای عمیق کلامی دارد و بیشینه روزگار خود را در خواندن و بازخواندن اندیشه های متکلمان مصروف داشته و کوشیده تا در این مدرسه سلوک کند، اعتقاد جازم و راسخ دارد که بسیاری از

قال و مقال‌های متکلمانه با همه سودبخشی و فائده‌مندی‌شان به کارِ تصحیحِ انظارِ دیگران و دفعِ تبلیغاتِ سوء و تشویحاتِ خصمانهٔ این و آن نمی‌آیند، و در عمل، چندان که تَوَقُّع می‌رود کارگر و مؤثر نمی‌افتند. اغلبِ أدلّهٔ کلامی، اگر مؤثر باشند و کارگر افتند، تازه به شرط آنکه با سیقهٔ صدر مسموع گردند، به کارِ خواص، بل خواصِ خواص، می‌آیند.

از بن، بیشترینِ گرویدن‌ها به هدایت، یا در افتادن‌ها در مهلکهٔ ضلالت، از رهگذر شنیدن یا ناشنیدنِ أدلّهٔ کلامی نبوده است. اغلبِ گروندگان، مجذوبِ پاره‌ای از مختصاتِ یک مکتب یا یک اجتماع می‌شوند، و پس از این دل‌بردگی - تازه اگر از اهل تحقیق و تفحص باشند - می‌کوشند با پاره‌ای از زمینه‌های فکری و اندیشگیِ آن مکتب یا مبانی نظریِ تشکلی آن اجتماع، آشنایی به هم برسانند.

مثالی ملموس و معهود و مشهود این واقعیت، زَوَندِ غربزدگی در عمومِ کشورهای اسلامی - و سرزمین خودمان: ایران است. کم لطفی خواهد بود اگر کسی ادعا کند پیشروان و مروّجانِ غربزدگی از سر زُرفِ بینی و ژرف اندیشی در شؤونِ فلسفی و زیربناهای نظریِ حیاتِ انسانِ غربی، دل‌بسته باختر زمین شدند، و پس از عیارسنجی اندیشه‌هایی که تمدنِ مدرن را پشتیبانی و تغذیه می‌کرد، هموطنانِ خود را به «جانبِ غربی» فرا خواندند و عمومِ غربزدگان نیز روز و شب در کارِ مناظره و مُدارسه و مذاکرهٔ أدلّهٔ سُکُلگیری و مبانی نظریِ تمدنِ باختر زمین‌اند! حاشا و کلا! چنین نیست!

غربزدگی - خوب، یا: بد -، محصولِ آشنائی با ظواهر و مظاهرِ تمدنی حیاتِ باختر زمینیان بوده است، اِلّا در مواردِ نادر.

گویا حتیِ دیرینه‌ترین گرایش‌ها به اَدیانِ اِلَهِی هم، بیش از آنکه به أدلّهٔ کلامی - به معنایِ خاصّ و مُصطَلَحِ آن - مربوط باشند، به مسائلی دیگر، چون پاره‌ای تجاربِ عمیقِ روحانی، یا برخی مُشاهداتِ گِرونده از مَیْش و کَیْشِ پیشوایانِ آن آئین، منوط بوده است.

پُر دور نیفتیم؛ ... به تعبیرِ نغزِ علامهٔ شَرَفِ الدّین: «لَا یَتَشَبَهُ الْهَدَى الْإِلْمِینَ حَيْثُ انْتَشَرَ الضَّلَالُ»^۱. آنان که این و آن را از مکتبِ تشیعِ دور نگاه داشتند، اندیشه‌های جاری در این مکتب و مبانیِ فکرِ شیعی و فرهنگیِ تشیع را خوار و خُرد و نامودند. اینک، بهترین و درست‌ترین راهِ زدودنِ آن اِبهامها و دریدنِ آن پرده‌های عَفَلت و وارونه‌بینی، معرفیِ عالمانه و درست و بسامانِ فکر و فرهنگِ شیعی است؛ فکر و فرهنگی که بخشِ مهم و مُعتنایِ مهمی از آن، در میراثِ مکتوبِ شیعیان باز تافته است.

اینچنین «تبیین» و اینچنین «دفاع» بی تردید از برخی ردّیه‌های کذائی و مخاصماتِ نوشتاری و گفتاریِ سود بخش‌تر و سازنده‌تر و پاینده‌تر است.

پس ای کاش برخی از آنان که پیوسته دردِ تبیینِ مُعتقدات و دفاع از مفاهیمِ مذهب را از خویشِ فرا می‌نمایند، لَختی در طریقی که اختیار کرده‌اند باز ببیندیشند و با اقداماتی از این دست خدماتی ماندگار و اَصیل را بدین مکتبِ مظلوم و ولیِ سرفراز بنیان نهند.

۳. استاد مختاری، در طرح تدوینِ کتابشناسی، دلیرانه و بی‌پرده‌پوشی‌های عوامانه، نوشته‌اند:

۱. از حافظه نقل می‌کنم و - علی‌أی حال - از سهو و خطا مصون نیستم.

«بسیاری از آثار علمی و شناخته شده ما، مانند کتب اربعه، بحار، آثار شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و خواجه نصیر الدین طوسی، فقط نامشان معروف است و از چند و چون و زوایای آنها بسیاری از خواص هم بی اطلاعند، چه رسد به دیگران».

درست همین است.

دانشهائی چون هیأت و ریاضی و طب و مانند اینها را که آثار شیعی متعددی نیز در دامان خود بالانده‌اند، از این کنار بگذارید!؛ از شعبه‌های مظلوم و مع الأسف نسبتاً مهجور دانشهای اسلامی مانند تفسیر و حدیث و کلام نیز که مغلوب هیمنهٔ دروس فقه و اصول شده‌اند، سخنی نمی‌دارم!؛ در همین سگهٔ رایج حوزه‌های سنتی شیعه، یعنی دو دانش شریف و عزیز و مقبول و مغتنم «فقه» و «اصول فقه»، چند متن از هزاران نگاهشسته تراثی شیعه می‌توان سراغ کرد که مورد نقادی و تحلیل و بحث و بررسی و تحقیق همه سویه واقع شده باشد؟! سری به همین شرح لُمعه و رسائل و مکاسب و کفایه بزنیم که در این زمانهٔ عسرت، آرکان اربعهٔ حوزه‌های فقه و اصول مان بوده است. هیچ کتاب جامع یا تکنگاری آکادمیک می‌شناسید که ساختار یکی از این چهار کتاب را بر رسیده، یا منهج علمی نویسندهٔ یکی آنها را مورد موشکافی و تحلیل قرار داده، یا لافل ینابیع و سرچشمه‌های علمی آراء مطروحه در یکی از آنها را بدقت و تفصیل باز جسته باشد!؟

از این هم بگذریم و به سراغ جامع المقدمات بیائیم که - علی رغم طلب فراوان و جهد بلیغ - یاد ندارم حتی یک رسالهٔ جامع در باب نحوهٔ تکوّن و تطوّر این مجموعهٔ درسی پایه دیده باشم! خوب است پرده پوشی نکنم و خاطر نشان نمایم: برآستی مایهٔ سرافکندگی است که در تجزیه و تحلیل آثار ابن طاوس و علامه حلی - رضوان الله علیهما - «اتان کلبرگ» اسرائیلی و «زاینه اشمیتکه» آلمانی بر ما پیشی بگیرند؛ که گرفته‌اند!

صاحب این قلم را «منفی باف» یا «نیق نقو» نپندارید!! غرض، رنجه ساختن خاطر عزیزان نیست. می‌خواهم عرض کنم حتی دم دستی‌ترین کتابهای درسی سنتی ما نیز که - بحمدالله و المنة - مدرّسان و شارحان توانا - کثر الله أمثالهم - داشته است و دارد، باز، یا مورد شناسائی همه جانبه قرار نگرفته، و یا معلوماتِ بحاصل آمده حول آنها، تدوین و ترویج نگردیده و به طرزى که قابل استفاده و مراجعه باشد و با اسالیب امروز بخواند، بین الدفتین قرار نگرفته است.

پس آنچه حضرت شیخ مختاری و دوستانشان شعار خویش ساخته‌اند - به زعم این کمترین - از اوجِب و اجبات فرهنگی و اهمّ مهمّات علمی جامعهٔ شیعه است.

علت این که در حوزهٔ علمیهٔ قم - سَيِّدُ اللهِ أَرْكَانُهَا - یکدوره از دروس خارجِ اصولِ بعضی فضلا قریب ده سال به درازا می‌کشد ولی متداول‌ترین کتابهایِ اصولیِ اخیر - مانند الفصول والقوانین المحکمة - حتی یک چاپ حروفی ندارد و ظاهراً تقاضای جدی در میان نبوده تا عرضه‌ای صورت پذیرد، چیست!؟

أَمَّ الْعِلْمَ، همین است که ما فعلاً اشتغال به توغّل در منابع و مصادرِ اصلیِ کارمان نداریم.^۱
 باز همین عدم اشتغال و عدم توغّل است که سبب می‌شود من نوعی در تصحیحِ فلان کتابِ تخصصیِ اصول، «أهلِ
 الجَمَل» را «أهلِ جَمَل» بخوانم و در تعلیقه در بابِ جنگِ جَمَلِ قلم‌فرسایی کنم!
 ۴. استاد مختاری ثراث شیعه را بهترین مُعَرِّفِ فرهنگِ تشیعِ شمرده و گفته‌اند: «شیخِ صدوق، شیخِ مفید، شیخِ
 طوسی، سید مرتضی، محققِ حلی، خواجه نصیر الدین طوسی، علامه حلی، شهیدین، فیض کاشانی و علامه مجلسی
 - قَدَسَ اللهُ أَسْرَارَهُمْ - را آثارشان به ما شناسانیده است، نه چیز دیگر».

معروض می‌دارم: جانان! سخن از زبانِ ما می‌گویی!

وای کاش جنابِ مختاری و همدستانان بتوانند این نکتهٔ قریب به بداهت را به «بعضِ أَجَلَه» بیاوراند.

در زمانه‌ای که تماماتِ فلان شیخ و کراماتِ بهمان پیر و اکاذیبِ باردهٔ فلانی و توهماتِ فاسدهٔ بهمانی، نزد آن
 «بعض» و «مَنْ تَابَعَهُمْ» معیارِ شناختِ حقایقِ مذهب و حقایقِ آراء و افکار شمرده می‌شود، بر کرسی نشاندنِ چنین
 اَنظَارِ معقولی خالی از صعوبت نیست!

بلکه به زعمِ مخلص، فقدانِ چنان پژوهشها و بررسیهای علمی که مناہجِ معرفتِ شرعی را نزدِ اکابرِ مذهب
 به درستی فرامی‌د و مُدْعِیاتِ دروغین و توهماتِ پوشالینِ هنگامهٔ سازان را رسوا کند، میدان را برای خیال‌اندیشانی
 مدّعی و جلوه‌فروشانِ مبتدی گشوده است.

بعید است کسی کتابخانهٔ ابنِ طائوس را بخواند و آنگاه ادّعیای انتسابِ مناماتیان و خرافاتیانِ عصرِ ما را به سَلْکِ آن
 پیر پروا پیشگان و نیایشِ پژوهِ بزرگ باور دارد و هیچ نسبتی میانِ بی‌عملیِ اینان و مُجاهداتِ علمی و شبانه‌روزی
 آنان بینگازد.

بعید است کسی در مجمعِ الفائدهٔ و البرهان و دیگر آثارِ محققِ اردبیلی نظر گمارده باشد و آنگاه از پاره‌ای قصصِ
 عامیانهٔ ساده لوحانه که حاکی از تنسّکِ جاهلانه است و بناروا بدان بزرگ بسته شده، شرمند و بیزار نگردد.

بعید است کسی تفاوتِ بسیاری از مناہج و مبانیِ دو بزرگمردِ بی‌مانند چون شیخِ صدوق و شیخِ مفید را (که هر
 دو محلّ عنایتِ حضرتِ حجّة بن الحسن - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ فِي ظَهْرِهِ - بوده‌اند)، بداند و باز در دفاع از این رأی
 و فروکوفتنِ آن رأی، تعصباتِ جزم‌اندیشانه بخرج دهد و سینهٔ خویش را در برابرِ فراخنای «تحقیق» گشاده ندارد.

بعید است کسی ایستارِ علامه مولانا محمد باقر مجلسی را در بابِ حدیثِ نورانیتِ ملاحظه نماید و باز
 بی‌پروائی‌های غالیانهٔ برخی مدّاحانِ مدّعی را برتابد.

و... در یک کلام، بعید است کاری سترگ و معرفت‌گستر مانند آنچه در نظرِ استاد مختاری و یارانِ اوست، در میان
 ما باشد، آنگاه کمرِ جامعهٔ دینی زیرِ بارِ خرافه و توهم خُم شود!

به گمانِ راقم، طرحِ کتابشناسیِ بزرگ شیعه، بدین سان و سامان که استاد مختاری در نظر دارد، بیش از آنکه
 تَراجِمِیان و فَهَارِسیان و نسخه‌پژوهان و مصححان - و به تعبیرِ بزرگواری: «أهلِ عُلُومِ چَرکتاب!» - را به کار آید، در

۱. ممکن است بفرمائید: اگر به توغّل در منابع و مصادرِ اصلیِ کارتان اشتغال ندارید، مشغول چه کارید؟!

مخلص، به علّتِ عدم تبخّر در این شوونِ رفیعه و عطفِ تاریخی «نان»، بلکه «جان»، بر «قلم»، وارد بحث از معقولات نمی‌شود!!

صلاح و اصلاح جامعه دینی شیعی ما مؤثر خواهد افتاد. ایدون باد!

۵. در زُمره و رهنمودهای اجرایی طرح نوشته‌اند:

«در شناخت مؤلفان شیعی نباید به نوشته تذکره نویسان اکتفا کرد، زیرا چه بسا عالمی در سِتارِ تقیه بوده است.»
می‌نویسم: البته چنین است؛ ولی از وارونه آن نیز باید اندیشه‌ناک بود. یعنی گاه برخی از صوفیان و غیر ایشان به خاطر پاره‌ای اظهارات و لایتمدارانه در جرگه شیعه محسوب گردیده‌اند؛ که نباید.

پس باید مقدم بر تدوین این دانشنامه کلان، در پژوهشی جدی، معاینات تشیع یا عدم تشیع را - بنا ملحوظ داشتن گوناگونی‌های ادوار و اَجیالِ مختلف - تنقیح و تدوین کرد، تا حتی المقدور از مناقشات ذوقی و سلیقه‌ای پیشگیری شود.

یکی از پیش‌نیازهای همین پژوهش، تحقیقی است زرف در خود مفهوم «تقیه» و تطوّر آن و تفاوت نحوه تلقی نجیبگان و عموم از آن.

۶. وعده فرموده‌اند که در مُجَلِّدِ مَدْخَل، «منشور عقاید شیعه» را که «به تأیید اکثر عالمان طرازِ اَوَّلِ شیعه برسد و جلو سبیل اتهامات مخالفان تشیع را بگیرد» قرار دهند.

مسأله «منشور عقاید شیعه»، مرا به یاد تجربه‌ای می‌اندازد که حضرت آیه الله حاج شیخ جعفر سبحانی - اَدَامَ اللّهُ ظِلَّهُ الوارف - در این باره داشتند و منشوری که تدوین فرمودند و منتشر هم شد.

هم در باب بایستگی این کار و هم در باب کیفیت آن - به نحوی که «قوز بالا قوز» نشود! و خود دست‌آویز بهانه جوئی یا تشّت نگردد - جای تأملات عمیق فراوان هست.

به یاد دارم یکی از افاضل معاصرین - اَدَامَ اللّهُ اِجْلَالَه - با چنین کاری مخالف بود و جوئی تفکر برانگیز برای منع از نشر چنین منشوری در شرائط فعلی، برمی‌شمرد. این کمترین با رأی آن استاد گرانقدر همداستان نیست، لیک گمان می‌کند برون شدهائی می‌توان اندیشید که مانع وقوع در مضایق شود.

به حکم «الکلام - یجر الکلام» اشارت می‌دارد که صاحب این قلم - که هم فعلاً تدوین چنین منشوری را مایه مناقشات تازه می‌داند و هم از موانع اجرایی در تولید آن اندیشه‌ناک است -، در کاری تقریباً مشابه کوشیده است با استفاده از «اعتقاد نامه» های ثرائی شیعه چنین منشوری را نه به تدوین امروزی، که به قلم اُثر آفرینان بزرگ طائفه مُحَقِّقه - اَعْلَى اللّهُ کَلِمَتِها - و از دل ثراث قدیم و قویم امامیه برکشد و سامان دهد.

گمان می‌کنم این کارنامه عقیدتی، از چنان منشور عقائد، کارآمدتر و بحاصل آمدنی‌تر است؛ واللّهُ - سبحانه و تعالی - اَعْلَم و عِلْمُهُ اَتَم و اَحْكَم.

۷. استاد مختاری - چنان که باید - دغدغه «زودتر به ثمر رسیدن کار» را دارند، و بدُرست، مرحله‌بندی اجرای طرح را چاره این دغدغه دانسته‌اند.

پیشنهاد دعاگو - اَحْسَنَ اللّهُ اَحْوَالَه - آن است که هم برای تسریع در کار و هم برای اِتقان بیشتر، مرحله‌بندی طرح، پیش از مرحله‌بندی‌های کلان، از اجزای بس شُردتر ولی پُر ثمر آغاز شود. یعنی به جای آنکه در مرحله اَوَّل، کار را - آنگونه که خود مثال زده‌اند - به «آثار شیعه تا پایان سده دهم» اختصاص دهند، از تکنگاری‌ها و تک‌پژوهی‌های جاندار حول ثراث برخی از اَحَادِ اُثر آفرینان شیعه بی‌اغازند.

مثلاً در یک دفترِ ستبر، آثار علامه مجلسی، در کتاب دیگر آثارِ شیخ طوسی، و در کتاب دیگر آثار میرداماد، و به همین سان، دیگر ثُرَاتِ آفرینان بزرگ شیعه را مورد تجزیه و تحلیل و موشکافی قرار دهند و بیش و کم همان ضوابطِ مُتَّبَع در طرح کلانِ خویش را مرعی دارند. بدین ترتیب در مدتی کوتاه هم مقادیرِ مُعْتَبَهِی از موادِ طرح کلان را آماده سازی نسبی کرده‌اند و هم روش خود را به آزمون نهاده و امکانِ تصحیح و تنقیح آن را فراهم ساخته‌اند. علی‌الخصوص که در چنین تَکَنُّگاری‌ها و تَکُّ پژوهی‌ها، کثیری از «موضوعات» و «مفاهیم» مشترک در ثُرَاتِ بسیاری از عالمانِ هم‌رشته، بناچار حلاجی خواهد شد و این از برای تسریع و اِتْقَانِ بیشتر در سرتاسرِ طرح کلانِ ایشان مؤثِّر خواهد بود.

کتابِ خوشخوانِ نظراتِ فی ثرَاتِ الشَّیخِ المَفیدِ اثرِ حضرتِ استاد علامه آیه الله حاج سید محمدرضا حسینی جلالی - آدام الله إجلاله - (که این کمترین به نام کارنامه شیخ مفید ترجمه و تنمیع کرده و اجزائی از این ترجمه نیز در پاره‌ای مجلّاتِ تخصصی به طبع رسیده است)، نمونه‌ای ساده ولی سودمند از این گونه تَکَنُّگاریهاست که باید - با لحاظِ ضوابطِ طرح کتابشناسی مورد نظر - در موردِ عمومِ ثُرَاتِ آفرینان بزرگِ شیعه پیگیری و اجرا کرد. موضوعاتی چون «تقیّه» - که بدان اشارت رفت - و «عُلُو» - که پژوهیدنی‌تر از تقیه و اُمْنالِ آن نیز هست -، هم باید در تَکَنُّگاری‌ها و تَکُّ پژوهی‌ها، مُقَدِّم بر اجرای طرح کلان، حلاجی شوند و پخته گردند. پژوهشگر تا تکلیفِ خود را - مثلاً - با مفهومِ عُلُو روشن نکند، نخواهد توانست دربارهٔ بخشِ بزرگی از ثُرَاتِ بروشنی، و بی‌اجمال و بی‌اهمال، سخن بگوید و داوری کند.

از خود استاد مختاری گواه بجویم. جناب ایشان مقالتی دارند دانشنامگی، در بابِ حافظِ رَجَبِ بُرسی که نخست بار در دانشنامهٔ جهان اسلام به چاپ رسیده و سپس در مجموعهٔ مقالاتِ ارزندهٔ حضرتِ استادی موسوم به جمع پریشان تجدیدِ طبع گردیده است.

استاد مختاری در همان مقاله مرقوم می‌دارند:

«بُرسی به ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام تعلقِ خاطرِ زیاد داشته و روایاتِ بسیاری در مقاماتِ معنوی ایشان نقل و شرح کرده و اشعارِ فراوانی در این زمینه سروده است. به همین سبب [کذا!] برخی او را سرزنش کرده و به وی نسبتِ عُلُو داده‌اند. حُرّ عاملی او را اِفراطی دانسته است.

... علامه مجلسی مشارق الأَنْوار و الفَیْنِ او را حاوی مطالبی موهَم، اشتباه و خلطِ صحیح و سقیم و عُلُو آمیز دانسته و گفته است که از روایاتِ او تنها آنچه را که با کتبِ معتبرِ مطابق است نقل کرده است. ... هاشم معروف حَسَنی... معتقد است که در مشارق الأَنْوار، صدها حدیثِ دروغ نقل شده است. او می‌گوید که بُرسی در میانِ شیخیه و کشفیه و غلاتِ طرفدارانِ بسیار دارد. در مقابل، علامهٔ اُمینی...، در عین آنکه به اعتمادِ بُرسی بر علمِ حروف و اعداد به دیدهٔ انکار نگریسته، از او دفاع کرده و مقاماتی را که بُرسی برای ائمهٔ ثابت دانسته، پایتیر از مرتبهٔ عُلُو و نسبتِ بُرُوت خواننده است. به عقیدهٔ برخی، بُرسی به دلیلِ تبخّر در حکمت و عرفان و پی بردن به بعضی از مقاماتِ ائمه و نقل آنها، به عُلُو در حقّ آنان مَتَهَم شده است. ظاهراً بُرسی در عصرِ خویش نیز نکوهش می‌شده، چنان که خود در چند جای مشارق الأَنْوار به این مطلب اشاره کرده است... او برای خود گناهی جُرْحَبُّ علی علیه‌السلام و نشر و تبلیغِ اَسْرارِ او شناخته و خود را از عُلُو و تفویضِ میرا دانسته و بصراحت کسانی را غالی شمرده که برای بندگانِ خدا مقامِ رُبُوبی قائل شده و فرایضِ

دینی را ترک کرده‌اند... با این همه، تحلیل درست آنچه برسی گفته، بر بررسی مفهوم غُلُو در کلام شیعی متوقف است.» (جمع پریشان ۳۳۹/۱ و ۳۴۰/تأکید از ماست).

می‌گویم: اولاً، استاد مختاری - دام مجده - از داوری صریح و نهائی تن زده‌اند و بحث را منوط به تبیین مفهوم غُلُو در کلام شیعی قلم داده‌اند؛ که درست است و خیردُپَسَنَد. لیک اگر در باب غُلُو آمیز بودن یا نبودن کتاب حافظ رَجَبِ بُرْسِی نتوان اظهار نظر کرد، در باب کتابها و مقالات و مقولات دیگر قدمائی که ممکن است رمی به غُلُو شده باشند، صد البتّه اجمال و ابهام بیشتر خواهد بود. و همین می‌رساند که چه اندازه تبیین و توضیح مفهوم و مصداق غُلُو در فرهنگ شیعه برای کار سترگی چون تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه، ضرورت دارد، و بدون چنین کاری، در برخی موارد قَدَم از قَدَم نمی‌توان برداشت!

ثانیاً، چنان که در گفت‌وورد ما از استاد مختاری و نحوه گزارش ایشان از رأی علامه امینی پیداست، - سایه این توهم شایع که «غُلُو، همانا ادعای رُبُوبیت یا تَبُوت در حق یکی از اِمَامانِ اَهل بیت - صَلَوَاتِ اللّهِ وَ سَلَامَةُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعین - است و بس»، بر این نوشتار محققانه هم، سنگینی می‌کند.

این تصویری است که مَعَ الْأَسْفِ برخی از متقدّمان را نیز به اشتباه افکنده و سبب شده است تا در برابر مُدْعِیَاتِ کسانِی که در «مقامات» آنّه علیه السلام و کِیْفِیَّتِ مقاماتِ عالی ایشان راه غُلُو و ضلال و اِضلال پیشه سی کردند، ایستادگی ننمایند.

سیری در آثارِ مشایخِ اَقْدَم چون مُغید و مُرْتَضی - رَضِیَ اللّهُ عَنْهُمَا - نشان می‌دهد که آنان چنان تصوّر محدودی از غُلُو نداشته و آن را به اِدْعَايِ اَلُوْهِیَّتِ یا تَبُوتِ محدود نمی‌داشته‌اند.

باری، این مقال را مقامی دگر است. سخن، اینجاست که تدوین کتابشناسی شیعه، آن هم در این فضای بدور از اعتدال و رنجور از اِفراط و تفریط و غُلُو و تقصیر - نَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَانِبِ! -، بدون تبیین مفاهیم نظری چون «غُلُو»، آن هم در قالب پژوهشهای جدّی مقدّماتی، شدنی نیست.

چه بهترست «مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه» کار خود را با تحقیق و نشرِ تَکَنُّگاریهای جاندار و زوْشَمند و همچنین «کتابشناسانه» در این ابواب بیاغازد.

۸. سخن دراز شد و هنوز گفتنیها باقیست.

ماجرای من و معشوقِ مرا پایان نیست هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام!

بهتر آنست تا دامن گفتار فراهم آرم و نزد یارانِ هُنُرُورِ بصیر «عرض هنر» نکنم؛ که - به قول حضرت خواجه - «بی‌آذینست!»

امید می‌بَرَم حضرتِ مختاری - دام غلاه - به دستیاری و پایمردی جمعی از متنِ پژوهانِ با فضل و فضیلت، کنارِ سترگی را که بر عهده گرفته‌اند به فرّخی و پیروزی و کامیابی به فرجام بَرزند.

«یا رَبِّ این قافله را لَطْفِ اَزَلِ بدرقه باد!»

بنده خدا: جويا جهانبخش / اصفهان (صینت عن الحدثان)

بهار ۱۳۸۵ ه. ش.

♦ ابوالفضل حافظیان ♦

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشمند سخت کوش دقیق النظر جناب آقای شیخ رضا مختاری

اکنون که مصمم گشته‌اید طرح کتابشناسی بزرگ شیعه را عملی سازید و مؤسسه و بنیادی برای اجرای آن بنا نهاده‌اید به حضرت تعالی و یاران همراه صمیمانه تبریک می‌گویم. بدون شک انتشار این خبر موجب شادمانی همه اهالی شهر بزرگ کتاب و تحقیق و فعالان عرصه کتاب پژوهی و نسخه‌شناسی و سایر محققان علوم اسلامی خواهد شد. موفقیت و سربلندی شما را در این هدف مبارک و بزرگ از درگاه حضرت حق مسألت دارم.

اجرای چنین طرح گسترده و کلانی ایثار و فداکاری بزرگی می‌طلبد چرا که باید همه اشتغالات و شئونات را فدای این کار کرد. کاری را شروع کردید که سفر و خصر را فرا می‌گیرد و تمام هم و غم و توش و توان را مطالبه می‌کند. برای برخی امور وقت نافله و فراغت کافی است اما این امر سترگ حتی وقتی برای تحصیل و تبلیغ و اسفار مستحبه و جلسات غیر واجب باقی نمی‌گذارد، وفقکم الله لطلب مرضاته.

طبعاً یاران همراه نیز علاوه بر توانایی و آمادگی که دارند باید همدل و همگام با شما تمام اندوخته‌ها و دانسته‌ها و کل فضای ذهن و خلاقیت و استعداد و ابتکاراتشان را در خدمت این طرح قرار دهند تا به یاری پروردگار نتیجه تحقیقات و مجاهدات چنین مردانی برگهایی درخشان از کتاب قیم فرهنگ امامیه را رقم زند و در طول زمان جاودانه گردد.

چهارچوب و اساسی که برای این طرح پی ریخته‌اید و شیوه‌هایی که برای تدوین کتابشناسی در بندهای متعدد بیان داشته‌اید، جذابیت خوبی برای کتاب‌شناسان و فهرست‌نگاران دارد و ایجاد انگیزه‌ای قوی برای همکاری با این طرح می‌نماید. شایسته است به صورت فردی یا در جلسه‌ای جمعی فعالان عرصه کتاب پژوهی و نسخه‌شناسی را دعوت نمایید، اهداف و امکانات مؤسسه را برای آنها تعریف و توصیف کنید، مزایا و امتیازات همکاری با مؤسسه را بر شمارید و از هر یک در حوزه تخصصی و در حد توانایی‌شان بهره‌مند گردید.

اگر بنا دارید طرح کتابشناسی بزرگ شیعه را به آن گستردگی و دراز دامنی عملی سازید، طبعاً به محققان کاردان فراوانی نیاز خواهید داشت، مردانی که در حق هر کدامشان بتوان گفت: «یکی مرد جنگی به از صد هزار».

در عصر حاضر چند کتابشناس و فهرست‌نگار وسیع الأطلاع و دقیق النظر، متخصص متمتع و متعهد پا به رکاب وجود دارد که فرصت همکاری با مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه را داشته باشد؟ اگر چند نفر اهل فن به عدد انگشتان دست بشناسیم، هر یک مشغول کاری هستند و گرفتاری‌های فراوان دارند. البته این طرح ارزنده در درون خود جذابیت‌های علمی خوبی دارد و چراغ‌های چشمک زن آن چشم کتاب‌شناسان و فهرست‌نگاران را به این سمت جلب می‌کند. در عین حال باید امتیازات مادی و معنوی در شأن این کار دایرة المعارفی و گروهی قائل شد تا در اولویت کاری برای اهل فن قرار گیرد.

در هر حال باید به طور جد به فکر تربیت نیرو بود، نیروهای مستعد و کتاب دوست را شناسایی کرد و فوت و فن

کتابشناسی و نسخه‌شناسی را بدانها آموخت، به مرور زمان این نیروها در همراهی با اساتید با ظرائف و لطائف کار آشنا خواهند شد.

این کمترین نیز با بضاعت مزجانی که در رشته فهرستنگاری طی سالها اُنس با نسخه‌های خطی و فهارس به دست آوردم مدتهاست در فکر می‌پرورانم که به لطف الهی «نسخه پژوهی» را به یک حرکت علمی گسترده‌تری مبدل سازم، کتابخانه‌ای تخصصی در رشته نسخه‌شناسی و فهرست نگاری دایر شود و ده‌ها و صدها کار بایسته و انجام نشده در حوزه کتابشناسی و نسخه‌شناسی انجام گیرد. منابع و فهارس لازم را در حد امکانات محدود خود فراهم کردم و بسا که در آینده‌ای دور یا نزدیک به فضل پروردگار و تلاش پیگیر و قناعت در مخارج زندگی بشود حداقل امکانات را برای هدف پیش گفته جمع و جور کرد تا خدا چه بخواهد. بدون شک محصولات و فرآورده‌های علمی این طرح نیز برای کتابشناسی بزرگ شیعه مفید و سودمند خواهد بود ان‌شاء الله.

حال در پاسخ به اظهار لطف‌های مکرر آن دوست بزرگوار عرض می‌کنم:

اینجانب با همه دارایی و دانایی‌ام - که چندان زیاد نیست - با انگیزه‌ای مضاعف حاضر و مایل به پشتیبانی و حمایت از طرح کتابشناسی بزرگ شیعه هستم. در منزل محقر ما به روی شما یاران باز است آنچه از منابع و فهارس - نوادر و غیر نوادر، نفیس و غیر نفیس - به دست می‌آورم در اختیار مؤسسه کتابشناسی است اهلاً و سهلاً.

مؤسسه کتابشناسی موجود و مرکز نسخه پژوهی در تقدیر - که فعلاً نشریه‌اش منتشر می‌شود - می‌توانند دو همکار و پشتیبان و موید خوبی برای یکدیگر باشند ان‌شاء الله.

در اینجا مایلم نکاتی را درباره طرح کتابشناسی بزرگ شیعه یا دانشنامه آثار مکتوب شیعه - هر چند از باب تأکید و تایید - یادآور شوم:

۱. پیش از این طرح کارهای کوچک و بزرگی در عرصه کتابشناسی و نسخه‌شناسی انجام گرفته که لازم است از امتیازات و شیوه‌های مطلوب آنها استفاده شود به عنوان نمونه در «موسوعة مؤلفی الامامیه» کار ارزشمندی در دست اجراست و نیروهای خوبی به کار گرفته شده است. تمامی آثار مؤلفین امامیه اعم از چاپی و خطی را مد نظر دارند - البته بدون توضیحات کتابشناسی -، به سبک سنتی با مراجعه به فهرست‌ها، نسخه‌ها را می‌یابند و معرفی می‌کنند. مؤسسه پارس‌انیز در عرصه کتابشناسی کتابهای چاپی اقدامات مفیدی انجام داده و نیروهای خوبی گردآورده است که با روش امروزی آشنایند و محصولاتشان را به صورت مکتوب و در قالب CD عرضه می‌نمایند.

به نظر می‌رسد استفاده از محصولات و نیروهای «موسوعة مؤلفی الامامیه» و «مؤسسه پارسا» و بهره‌گیری از امتیازات سبک و شیوه کاری آنان می‌تواند مسیر را بر راهیان کتابشناسی بزرگ شیعه نزدیک‌تر و هموارتر سازد.

از جمله کارهای قابل ذکر در این عرصه است: فهرستگان نسخ خطی حدیث و علوم حدیث، معجم التراث الکلامی، کشف الفهارس، فهرستواره کتابهای فارسی و.... هر یک از اینها خصوصیات و امتیازاتی برای خود دارد که قابل ملاحظه و بررسی است.

۲. نوشتن دایرة المعارفی در کتابشناسی همانند است با نگاشتن لغت‌نامه‌ای جامع و مشکلاتی به مانند آن دارد از جمله اینکه:

الف) عناوین کتابها نیز همچون لغت‌های رایج در زبان‌ها حدّ یقف و تمامی ندارند؛

ب) کار کتابشناسی به مانند لغت دانی یک کار میان رشته‌ای است و نیاز به تخصص‌های گوناگون دارد چون کتابهای مختلف در موضوعات متعدد نگاشته شده و کتابشناس باید از پس معرفتی همه آنها برآید؛

ج) همچنانکه برای بسیاری از لغت‌ها و جوه و معانی متفاوت مطرح است درباره کتابهای کهن نیز وجوه و احتمالات مختلف متصور است. ممکن است یک کتاب را به چند مؤلف نسبت دهند یا یک مؤلف چند تحریر از یک کتاب داشته باشد یا نسخه‌های متعدد از یک کتاب در زیادت و نقصان با هم متفاوت باشند و قس علی هذا فعل و تفعلل...؛

د) کتابشناسی جامع به اندازه تدوین لغت‌نامه دهخدا و بلکه بیش از آن نیاز به منابع و مصادر، عده و عده و نیروی متخصص و کاردان دارد؛

ه) همچنانکه لغت‌های غیر صحیح و غیر اصیل در زبانها راه یافته، در منابع کتابشناسی نیز عناوین مغلوپ و ناصحیح از کتابها درج شده است و چه بسا کتابهای بسیاری که اصلاً وجود خارجی نداشته و تنها نام آنها به واسطه ادعای مؤلف یا بستگانش در منابع آمده است و چه بسیار عنوانهایی که هیچگاه به چاپ نرسیده و حتی نسخه‌ای خطی از آن در دسترس نیست و در دستبرد حوادث و سبزه‌ها و غارنها از بین رفته‌اند؛

و) اهل لغت با جستجوی در کتابهای کهن و فرهنگ افرواهی مردم لغات و اصطلاحات را کشف می‌کنند، کتابشناس نیز باید با تحقیق و جستجوی بسیار در کتابهای تراجم، اجازات، فهارس و منابع گوناگون دیگر عناوین کتابها و نسخه‌های باقی مانده از آنها را کشف نماید...

۳. علی‌رغم کوشش‌های فهرست نگاران دو سوم یا دست کم نیمی از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی جهان فهرست نشده است. برای داشتن یک کتابشناسی کامل از آثار علمای امامیه که در بردارنده اطلاعات تازه و کشفیات جدید برای محققان علوم اسلامی باشد، ناچار باید فکری به حال نسخه‌های فهرست نشده کرد. در «نسخه پژوهی» گامهایی در این جهت برداشته ایم و مراکز دیگری نیز کارهایی در دست دارند، کتابشناسی بزرگ شیعه در این باره چه خواهد کرد؟ آیا بدون اطلاع از نسخه‌های ناشناخته کار کامل خواهد بود؟

۴. بی‌خبری و کم‌اطلاعی ما محدود به کتابهای خطی نمی‌شود؛ چه بسیار رساله‌ها و کتابها که به صورت مستقل یا در لابلای مجموعه‌ها و نشریه‌های داخلی و خارجی به چاپ رسیده و از آن اطلاعی به ما نرسیده و نمی‌رسد و این در حالی است که برای معرفتی دقیق و کامل یک اثر باید چاپهای مختلف آن در دسترس باشد. چاره اندیشی برای این عویصه به مساعدت و همکاری کتابخانه‌های بزرگ نیاز دارد. کتابخانه ملی در این راستا می‌تواند کمک‌کنار خوبی باشد. بلکه لازم است مؤسسه کتابشناسی بزرگ شیعه دفتری در کتابخانه‌های بزرگ کشور همچون کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی داشته باشد تا به آسانی بتواند از منابع چاپی، خطی و سنگی کتابخانه‌های مذکور استفاده نماید.

۵. درصد قابل توجهی از اطلاعات مندرج در فهرست‌نامه‌های نسخه‌های خطی و حتی منابع مشهور کتابشناسی و تراجم ناقص و یا اشتباه است. چگونه بر اساس اطلاعات ناقص و غلط می‌توان معرفتی نامه‌ای کامل و صحیح از کتابها ارائه کرد؟ تبیین و تثبیت در این امور بسیار مشکل است. در راه درمان این معضل پیشنهاد می‌شود: اولاً مستقیماً به کتابهای مورد معرفتی مراجعه شود و به مطالب مندرج در فهرستها و منابع اکتفا نشود، این امر مستلزم آن

است که کتابخانه‌ای داشته باشید که در آن از تمامی آثار شیعی نسخه‌های چاپی یا عکسی یا خطی وجود داشته باشد و در کنار آن به صورت گسترده از منابع موجود در کتابخانه‌های بزرگ استفاده کنید؛ ثانیاً حواشی تصحیحی و توضیحی که عده‌ای از بزرگان و اساتید فن در هامش فهرستها و منابع‌شان درج کرده‌اند جمع‌آوری شود و در نگارش مدخلها مورد استفاده قرار گیرد.

۶. امروزه برای اداره مطلوب مؤسسات علمی و پژوهشی، تخصص در رشته مورد تحقیق شرط لازم است اما کافی نیست، دانش مدیریت جزء لاینفک و ضروری برای مسئولان چنین مراکزی است. مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح برای جذب نیرو و امکانات، توجیه و هدایت نیروها و استفاده بهینه از استعدادها و ابتکارات محققان و استفاده صحیح و بجا از امکانات - به دور از اسراف و تنگ نظری - ارائه به موقع و درست محصولات علمی و تبلیغات و اطلاع رسانی صادقانه و ارتباط با مراکز مشابه و بهره‌گیری متقابل از تجارب، منابع و امکانات مؤسسات همسو و صدها نکته مهم دیگر که بدون مراعات ظرایف مدیریتی شاید به سامان رساندن کارهای گروهی صعب و مستصعب گردد.

و البته شما بهتر از من می‌دانید که مدیریت مراکز علمی مستلزم حوصله، ایثار و صبر و تحمل بسیار است. ناملایمات و ناگواری‌ها را باید با حلم و صبر تحمل کرد تا ناهمواری‌ها برطرف گردد و رفته رفته درخت تحقیق ریشه دوانده و محکم و بارور گردد. از طرفی کوچکترین بی‌عدالتی و تبعیض باعث رنجش نیروها می‌گردد و از طرفی دیگر باید مراقب بود حق نیرویی که بیشتر از دیگران زحمت می‌کشد و دقیق‌تر است ضایع نگردد. باید با چراغ روشن و چشمان باز در مسیر کارهای جمعی و گروهی از همکاری محققان برخوردار شد تا در بین راه یا خاتمه کار جای گله و اعتراضی باقی نماند. به قول معروف «جنگ اول به از صلح آخر است».

۷. علاوه بر فهرس و تراجم و منابع مشهور کتابشناسی، یک سری از مطبوعات و مجلات حاوی مقالات مفیدی در معرفی کتابها و نسخه‌هاست. همچنین در مقدمه تصحیح بسیاری از کتابها مطالب ارزنده‌ای در معرفی کتاب، مؤلف و نسخه‌های موجود از کتاب مطرح شده که در کار کتابشناسی شیعه مفید خواهد بود. اینگونه اطلاعات باید در پرونده‌های علمی مدخلها وارد شود تا به موقع مورد استفاده قرار گیرد.

۸. یکی از لغزش‌گاه‌های فهرست نویسان و کتابشناسان، معرفی حواشی و شروح و تعلیقه‌ها و تقریرات است. فرض بفرمایید طلبه‌ای فاضل در درس استادی بزرگ شرکت داشته و تقریرات استاد را نگاه داشته است اما در هیچ جای نسخه دست نویس او قرینه و نشانه‌ای که بتوان استاد یا مقرر را تشخیص داد به دست نمی‌آید. تازه اگر استاد و تلمیذ را شناختیم، تألیف متن موجود را به استاد نسبت دهیم یا به تقریر نویس؟ و یا اینکه یک متن فلسفی یا کلامی محور قرار گرفته و دهها شرح و حاشیه بر شرح، حاشیه قدیم و حاشیه جدید، رد بر حاشیه و تعلیقه بر تعلیقه و مانند آن پیرامون آن نگاه داشته شده است و چه بسا در فهرست‌ها و منابع نام رساله متن یا ماتبین یا شارح یا محشی درست و دقیق درج نشده است. در این موارد که تعدادش کم نیست چگونه باید مطلب را تقیح و تبیین کرد؟ انصافاً راه بسیار دشواری است.

کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد؟

فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست

کتابشناسی‌های موضوعی راه مطمئن‌تر و سودمندتر و کم‌خطرتر در این مسیر است.

۹. با توجه به مشکلات و معضلات پیش گفته فکر می‌کنم یکی از بهترین و سودمندترین روشها که ثمردهی آن زودتر و قطعی‌تر خواهد بود این است که ما بایم عده‌ای مثلاً صد تن از علمای بزرگ شیعه که آثار مکتوب آنان بیش از دیگران است را انتخاب کنیم و تمامی آثار آنان را کتابشناسی و نسخه‌شناسی نماییم. شخصیت‌هایی همچون شیخ صدوق، کراچکی، شیخ مفید، ابن سینا، سید مرتضی، شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، فخر المحققین، خواجه نصیر طوسی، شهید اول، ابن فهد حلی، محقق کرکی، شهید ثانی، قاضی نورالله شوشتری، میرداماد، شیخ بهایی، ملاصدرا، فیض کاشانی، ملا محمد تقی مجلسی، علامه ملامحمدباقر مجلسی، شیخ حر عاملی، وحید بهبهانی، شیخ انصاری و...

اینها دانشمندانی هستند که تألیفاتشان بر کتابهای دیگر اثر گذار بوده و بقیه نویسندگان از آثارشان بسیار سود برده‌اند. طبعاً وقتی آثار این گروه از علما به خوبی شناسایی شود راه شناخت آثار دیگران هموارتر می‌گردد. به عنوان نمونه کتاب شریف الشهدی الاول حیات و آثاره و چندین کتاب دیگر از این دست همچون «فهرست‌های خودنوشت فیض کاشانی» الگوهای بسیار خوب و موفقی است. چنانچه مؤسسه کتابشناسی تصمیم به انجام این کار بگیرد همه ساله می‌تواند چند جلد کتابشناسی آماده و عرضه نماید. این تک نگاری‌ها همچون قطعات پازل کم کم مواد کار گسترده و نهایی برای تمام عنوانها را آماده می‌کند. نکته‌ای در اینجا گفتنی است، چه خوب است در کتابشناسی‌های فردی نمونه‌ای از خطوط علما درج شود. همچنین در معرفی کتابها و رساله‌ها ذکر بندی از آغاز و انجام آنها ضروری است.

۱۰. داشتن یک خبرنامه و نشریه تخصصی برای درج اخبار تازه‌های نشر در این عرصه و بایسته‌های تحقیق و نشر و هکذا نشر مقالاتی در معرفی کتابها - مقالات تحلیلی گسترده‌تر از مدخلهای دانشنامه - کار خوب و وسیله شایسته‌ای است برای ارتباط با علاقمندان به این رشته. اما این بند را از مستحبات می‌دانم طوری نشود که خود این عمل زحمت و فرصت جداگانه مهمی بطلبد و محققان مؤسسه را از کار اصلی باز دارد. (می‌توان مدخلهای آماده را بدون معطلی در همین مجله منتشر کرد تا مورد داوری و نقد و نظر کارشناسان قرار گیرد).

۱۱. یکی از مراحل مشکل کار، تبیین و تشخیص دقیق موضوعات کتابهاست که به دلیل تداخل موضوعات و عدم مرزبندی دقیق، اشکالات و ابهاماتی به وجود خواهد آمد. چون به هر تقدیر (چنانکه در نمودار تشکیلاتی آورده‌اید) با تقسیم‌بندی موضوعی سر و کار دارید، لازم است تعریف جامع و مانعی از رشته‌های مختلف علوم اسلامی ارائه دهید و موضوعات مندرج تحت هر یک را مشخص سازید. در این زمینه از اساتید با تجربه همچون دکتر پرویز اذکابی، دکتر هادی عالم‌زاده و حجة الاسلام طارمی می‌توانید استفاده کنید.

با تعریف دقیق شاخه‌های گوناگون دانش‌های اسلامی، معرفی کتابهای هر رشته را به متخصص آن می‌سپارید و کتابهای غیر مربوط با علوم اسلامی و کتابهای غیر علمی و غیر فنی از گردونه خارج می‌شوند.

۱۲. آشنایی با علوم اسلامی و تخصص کافی در موضوع کتاب مورد معرفی از لوازم کار است. کسی که فلسفه می‌داند و کتابشناس هم هست، بهتر از کتابشناسی که فلسفه نخوانده عمل می‌کند. کتابشناسی که با طب قدیم یا نجوم آشنایی دارد می‌تواند کتابهای طبی و نجومی را به طور صحیح و کامل معرفی نماید، عناوین ابواب و فصول کتاب و اصطلاحات خاص را درست و به جا به کار ببرد. فهرست‌نگارانی که با زبان عربی و علوم حوزوی آشنایی کافی

ندارند، لغزش های فاحشی در معرفی کتابهای تخصصی پیدا می کنند.

۱۳. مهارت در علوم حدیث خصوصاً علم رجال کمک کار مناسبی است در کتابشناسی شیعی به ویژه در جستجو و ردیابی آثار مفقود شیعه و بازسازی آنها و گردآوری موارد نقل از آنها در منابع باز مانده. سبکی که تا حدودی در کتاب میراث مکتوب شیعه به کار رفته است و جناب استاد آیت الله سید احمد مددی به واسطه احاطه گسترده و اطلاعات وسیعی که از کتابهای حدیثی و رجالی شیعه دارند، نکات ارزشمندی در جلسات درسی ارائه می فرمایند که بسیار راهنما و راهگشا در این مسیر است. به هر حال تنظیم کتابشناسی جامع برای آثار شیعه به تخصص ها و مهارتهای فوق العاده ای نیاز دارد و مستلزم تحقیقات جدید و گسترده و پیمودن هزاران راه نرفته است.

۱۴. روشن است که یاران همراه باید از مهارتهای لازم برای کتابشناسی، نسخه شناسی و فهرستنگاری برخوردار باشند از جمله: ۱۴-۱- آشنایی نسبی با علوم اسلامی (ترجیحاً بلکه لزوماً داشتن تحصیلات حوزوی) ۱۴-۲- آشنایی با زبان عربی در حد استفاده مطلوب از منابع و مصادر. ۱۴-۳- داشتن اطلاعات عمومی مناسب در مسائل تاریخی، تراجم علما و دانشمندان و آشنایی کامل با منابع و مصادر آنها؛ در حدی که نموداری از طبقات علمای شیعه از ابتدا تا عصر حاضر در ذهن محقق نقش بسته باشد. ۱۴-۴- انس کامل با منابع کتابشناسی و فهرست نامه ها و آشنایی با شیوه استفاده از آنها. بدون شک کسی برای این کار مفید است که روزانه با الذریعه و فهرست ها سر و کار داشته باشد. ۱۴-۵- بخش معرفی نسخه های خطی موجود از هر کتاب تنها کار کسانی است که دماغ و جهاز تنفسی شان با گرد و غبار نسخه های خطی آشنا باشد. ۱۴-۶- و مهمتر از همه ذوق و شوق کتابشناسی، کتاب دوستی و بلکه عشق به کتاب باید در وجود محققان همکار با مؤسسه کتابشناسی آشکار باشد.

۱۵. انتظار می رود این کتابشناسی جدید جامع و فراگیر باشد و لذا از جستجو و تتبع لازم برای یافتن عناوین جدید غفلت نشود. مستدرکاتی که جمعی از فضلا و محققان کتابشناس بر الذریعه نگاشته اند در این زمینه کمک کار خوبی است. استاد فقید مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبایی رحمته سالها از عمر شریف و پر برکت شان در این راه صرف گشت و در مستدرک الذریعه یازده هزار عنوان نویافته را معرفی کردند. استاد علامه حاج سید محمدعلی روضاتی (دامت برکاته) تکملة الذریعه را در این زمینه نگاشته اند که مشحون از تحقیقات دقیق و ارزنده است. علامه فقید مرحوم سید سعید اختر رضوی رحمته تحقیقات مفیدی درباره آثار علمای شیعه در شبه قاره داشتند که در قالب تعلیقات الذریعه و تکملة الذریعه ارائه کردند. جالب است که آن مرحوم این دو اثر ارزنده را برای همکاری و مساعدت با مرحوم آقا عزیز طباطبایی در نگارش مستدرک الذریعه به یادگار گذاشتند (رحمة الله علیهما).

۱۶. یکی از راههای دستیابی به عناوین آثار شیعی - که تا حدودی مورد توجه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمته در الذریعه نیز بوده است - مراجعه به کتابهای رجال، تراجم، تاریخ، تذکره ها، اجازه نامه ها، مجلات و فصل نامه هاست. باید گروهی کاردان در مؤسسه کتابشناسی مأمور رسیدگی به اینگونه مصادر شوند، اسامی کتابها را از لابلای آنها به دست آورند. خصوصاً در کتابها و مقالات مربوط به شرح حال علمای شیعه در یکصد سال اخیر که در قالب مجموه ها، یادنامه ها، تک نگاری ها و مانند آن چاپ شده، اطلاعات فراوانی راجع به تألیفات دانشمندان معاصر دیده می شود که نوعاً در منابع کتابشناسی ثبت و ضبط نشده اند. به عنوان نمونه اگر تنها بخش و فیات مجله یادگار و یا

«در گذشتگان» در مجله آینه پژوهش مورد بررسی قرار گیرد عناوین هزاران تألیف از آثار علمای شیعه به دست می‌آید که طبعاً اسامی آنها در الذریعه و مانند آن یافت نمی‌شود.

۱۷. درباره محدودۀ زمانی آثار، برای جامعیت کار موافقم با اینکه تا سال ۱۴۳۰ هـ در نظر گرفته شود. تقریباً ۱۰۰ سال پس از شروع الذریعه، یعنی بعد از گذشت صد سال از تولد شاهد تجدید حیات الذریعه در قامتی رساتر و زیباتر باشیم، اما مشکل مهمی در مواجهه با شبه‌الکتاب‌ها رخ می‌دهد. از طرفی طرفدار جامعیت کتابشناسی هستیم و از سویی مواجه با انبوهی از کتابهای غیر تراثی، غیر علمی و غیر تخصصی که بعد از رواج صنعت نشر تعداد آنها روز افزون شده است؛ نونویسان به جهت سهولت چاپ علاقه‌مند شده‌اند منتخباتی از آیات، روایات، اشعار و حکایات را گردآورده به نام خود به چاپ سپارند. کتابهای آموزشی و درسی مدارس و دانشگاهها، کتابهای غیر مرتبط با علوم اسلامی همچون آموزش موسیقی، تئاتر، خیاطی، میکانیک، نرم‌افزار و سخت‌افزار کامپیوتر... آیا به صرف اینکه مؤلفین اینگونه آثار شیعی مذهب است این عناوین در کتابشناسی شیعه قابل درج است؟!

این مشکلی است که متأسفانه موسوعۀ مؤلفی الامامیه گرفتارش شده است و با مراجعه به کارنامه نشر صدها و هزاران عناوین نامربوط به علوم اسلامی را وارد کار کرده، غث و سمین را با هم درآمیخته‌اند.

تعریف جامع و مانعی از کتابهایی که قرار است در این طرح معرفی شود، ارائه دهید و ضوابط و ملاکها را تبیین کنید. می‌توان کتابهای کم‌عیار را تلگرافی و مختصر معرفی کرد و برای کتابهای مهمتر وقت بیشتری صرف نمود و معرفی نامه جدی‌تر نگاهت.

۱۸. همزمان با گردآوری تصاویر نسخه‌های خطی آثار شیعی، مناسب است که تصاویر اقدام و اهم نسخ خطی تراث علمی امامیه را بر روی سایت مؤسسه در اختیار مراجعه‌کنندگان اینترنتی قرار دهید و به صورت CD نیز آنها را عرضه نمایید. امروزه راه معمول و رایج تبلیغ و ترویج افکار و عقاید، استفاده از امکانات اینترنتی و راه‌اندازی کتابخانه‌های مجازی است، باید با زبان دنیا مطالب‌مان را عرضه کنیم. جا دارد در اینجا یاد شود از اقدامات ارزشمند علامه سید محمد حسین جلالی که در آمریکا با حداقل امکانات آثار بسیاری از تراث امامیه را منتشر ساخته و گامهای خوبی در نشر و ترویج فرهنگ شیعی در مغرب زمین برداشته است.

در این زمینه مناسب است با مراکز همسو همچون مرکز احیاء میراث اسلامی، همکاری و تعامل سازنده‌ای را پی‌ریزی نمایید.

۱۹. در تأسیس و تکمیل کتابخانه تخصصی مؤسسه کتابشناسی شیعه از تجارب کتابخانه‌های تخصصی تاریخ، ادبیات، علوم حدیث و علوم قرآن و خصوصاً کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی استفاده کنید. حقیقتاً کتابخانه مذکور یکی از غنی‌ترین و کارآمدترین کتابخانه‌های تخصصی ایران اسلامی است که منابع محققان را به صورت روزآمد در اختیار همکاران و نویسندگان دایرة المعارف قرار می‌دهد.

۲۰. ضروری است که این طرح همراه با عرضه مکتوب در قالب بانک اطلاعات دیجیتال نیز عرضه شود تا امکان استفاده‌های گوناگون و جستجوهای دلخواه از آن فراهم گردد. بنابراین از الآن باید به فکر برنامه نویسی و طراحی بانک اطلاعات آن باشید و با متخصصان مربوط مشورت نمایید. در شکل مکتوب این اثر نیز دقت لازم و

سلیقه کامل به کار رود. ویرایش فنی و علمی، حروفچینی شکیل و چشم‌نواز، انتخاب بجای تیرهای اصلی و فرعی، صفحه آرایی جذاب و دهها نکته باریکتر از موی دیگر هست که باید مراعات شود، به قول شاعر:

بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی مقبول طبع مردم صاحب نظر شود

۲۱. شایسته است کتابخانه‌های عمومی و مراکز علمی و پژوهشی و علمای بزرگواری که دارای کتابخانه‌های شخصی غنی و نفیسی هستند این مؤسسه را در هدف مقدسی که در پیش گرفته باری دهند. علامه امینی در تألیف کتاب شریف الغدیر و شیخ آقا بزرگ تهرانی در نگارش الذریعه از مساعدت جمع کثیری از فضلای معاصرشان برخوردار گشتند و در واقع همت و نهضتی دست جمعی با مدیریت علامه طهرانی و علامه امینی آثار سترگی همچون الذریعه و الغدیر را پدید آورد. اکنون نیز هنگام همت مردانه و مجاهدت و ایثار است برای آنان که دل در گرو دین و آیین دارند.

بدون شک وقف کتابخانه‌های خصوصی برای تشکیل کتابخانه بزرگ آثار شیعی و استفاده در طرح کتابشناسی بزرگ شیعه مصداق باقیات صالحات و صدقه جاریه‌ای خواهد بود که منافع آن گسترده و بی‌شمار است.

۲۲. امید است به مدد توفیقات الهی و توجهات و عنایات حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مؤسسه کتابشناسی شیعه در آینده به پژوهشگاه کتابشناسی شیعه ارتقا یابد و با احاطه بر همه اطلاعات مربوط به آثار علمی شیعه و گردآوری منابع و امکانات لازم، دانشکده‌ای برای تربیت افراد مستعد در رشته کتابشناسی ایجاد نماید و حوزه کتابشناسی را از بلاتکلیفی و پراکنده کاری نجات بخشد و پاسنخگوی نیازهای محققان داخلی و خارجی در زمینه آثار شیعی باشد.

ایدون باد

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾

قم - ۲۴ رجب ۱۴۲۷

سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

هو المحبوب

با احترام، درباره طرح ارجمند «کتابشناسی بزرگ شیعه» کلماتی تقدیم می‌شود و برای هرگونه همکاری در این باب، اعلان آمادگی می‌گردد:

- ص ۷ و چند جای دیگر / دفاع کلامی از شیعه.

شاید بهتر باشد «دفاع معارفی» یا عباراتی مانند آنها بیاید؛ چون همه جارنگ کلام بر آثار نقش نبسته و شاید تعبیری همچون معارفی عام‌تر باشد.

- آیا بهتر نیست مرحله نخست کار شامل آثار پس از ۱۴۰۰ باشد؟ ناظر به پیش از این تاریخ، آثاری در دست هست و شاید رفع نیاز اخیر، مقدم باشد.

- آیا بهتر نیست این اثر دو رده‌ای باشد: یک رده به معرفی دقیق و تفصیلی تألیفات درجه یک و مهم‌تر عالمان شیعه اختصاص یابد و یک رده به معرفی اجمالی از آثار غیر درجه یک؟ طرح شما ممکن است سال‌های دراز به طول انجامد. البته در بند چهار ص ۷ استدرراکی از بند یک دارید که چندان شفاف نیست.

- ص ۷ و ۸ / ظاهرأ تصحیح و تنقیح و یادکرد مصححان و منقحان از قلم افتاده است.

- همان / بهتر نیست ابتدا خلاصه محتوای اثر بیاید و بعد ارزش علمی آن؟

- همان / از سبک تحقیق (متدولوژی) و سبک قلمی (نثرشناسی) اثر یاد نشود؟

- همان / بهتر نیست مطالب بند چهار دسته‌بندی شود؛ یعنی به همان ترتیب که در معرفی اثر، عنوان‌بندی از کل به جزء خواهد شد؟

- ملاک شیعه شمردن شخص چیست؟ خوب است به روشنی بیان گردد.

- ملاک انتخاب اثر چیست؟ اگر موضوع (علمی بودن به معنای خاص) نقش اساسی ندارد، خوب است نام این اثر، «دانشنامه آثار مکتوب شیعه» و یا با قدری عدول: «فرهنگ آثار مکتوب شیعه» باشد تا هم جامع آثار ادبی و هنری و تبلیغی و سفرنامه‌ها و کشکول‌ها و مقامات و جز آن‌ها گردد؛ و هم مانع آثار غیر مکتوب، خواه علمی و خواه غیر علمی؛ و هم ترجمه و تألیف و همه نوع کار مکتوب را در برگیرد. اگر چنین نگردد، ده‌ها اثر ارجمند چون «سیاحت شرق» از قلم خواهند افتاد. ضمناً از آن جا که شیوه تدوین اثر، دائرة المعارفی است، خوب است همین نام دانشنامه به عنوان جنس اثر ذکر گردد. البته «کتابشناسی بزرگ شیعه» بسیار زیباتر و دلپذیرتر است؛ اما کاری در این وسعت و دقت، دائرة المعارف است و نه کتابشناسی متعارف.

- ص ۹ / بهتر است هرگونه تصویر و دستخط و مانند آن‌ها در انتهای هر جلد بیاید و در متن به آن رهنمود داده شود. این با تبویب فنی و علمی اثر، سازگارتر است.

- ص ۹ / بهتر نیست نمایه کلی پس از همه مجلدها در فهرستی جدا بیاید؟

- ص ۱۰ / بهتر نیست برای سهولت استفاده، اثر در قطع وزیری انتشار یابد؟

توفیق آن اوحدی اورعی را در سامان دادن ایسر اثر ستیغ، از خدای بزرگ خواستارم و از تصدیع پوزش می‌جویم.

۱۳۸۴/۸/۲۶

♦ محمد هادی خالقی ♦

النور

سرور گرامی و برادر بزرگوار، جناب آقای حافظیان - دام عزه و توفیقه -

با سلام و تحیت،

احتراماً نکاتی چند را که پس از مطالعه چکیده طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه به ذهنم رسیده است و ممکن است اصلاً وارد و مفید و جالب هم نباشد، صرفاً در جهت امثال امر حضرت عالی، به عرض می‌رسانم:

۱. دانش‌نامه آثار علمی شیعه، ظاهراً به خاطر کاربرد تسامح‌آمیز اصطلاح دانش‌نامه، عنوان فرعی مناسبی برای این طرح نیست و به جای آن می‌توان از: نمایه توصیفی، فهرستواره، فهرستگان و... استفاده کرد. وجه کاربرد قید علمی را هم نفهمیدم.
۲. امروز، دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی، چنان گسترده و پیچیده و تخصصی شده است که اظهار نظر در باره موضوعات آن، نیاز به تجربه و اطلاعات فراوان دارد که بنده در خود نمی‌بینم؛ اما اجمالاً در نتیجه گذراندن برخی دوره‌های آشنایی با این رشته و نیز مابقی کار در مؤسسه پارمبا، معتقدم که در کار تدوین و چینش و شبکه کردن اطلاعات کتابشناختی، یقیناً باید از اهل فن، کمک گرفت و پایبندی به قواعد این دانش، به تسهیل استفاده از محصول نهایی و نیز جهانی شدن آن، کمک می‌کند.
۳. با آن که چنین طرحی را بسیار مفید و بلکه ضروری می‌دانم، بر این باورم که روش نگاشته شده برای اجرای آن، روشی سنتی است که به تنهایی، قادر به گردآوری و تدوین و تحلیل و توصیف همه اطلاعات نخواهد بود؛ بلکه باید در کنار این روش استخراج داده‌ها، به روش کتابشناسی‌های جدید که در علوم دقیق و پزشکی و علوم ریاضی و فنی، امروزه به کار می‌رود و بر محور مدیریت اطلاعات و شبکه‌سازی اطلاعات استوار است و در فضای مجازی (اینترنت)، همه مطلعان، علاقه‌مندان، پژوهشگران، منتقدان، و... را به کار می‌گیرد، استفاده کرد. طبعاً اطلاعات به دست آمده در این روش، مکمل اطلاعات به دست آمده از روش سنتی و یا با آن، در تعامل خواهد بود.
۴. طرح، در زمینه ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز ناتمام به نظر می‌رسد. صرف نظر از توانایی‌های اینترنت، در موضوع اطلاعات غیرکتابخانه‌ای هم تفصیل و توضیح، لازم است. منابع فهرست نشده، فهرست‌های منتشر نشده، برگه‌های کتابخانه‌ای و کمدهای فیش، تصاویر و اسناد کتابخانه‌ای و موزه‌ای، نشریات حوزه نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی و تراجم و رجال، و... چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند؟ احراز تشیع یک پدیده‌آورنده اثر یا احراز انتساب کتابی به وی، بدون دسترسی نسبی به این همه، چگونه امکان‌پذیر است؟
۵. در نمودار تشکیلات، ظاهراً جایی برای «چکیده» و «اصطلاح‌نامه (تزاروس)» در نظر گرفته نشده است، در حالی که این دو، به طور قطع، برای چنین کار گسترده‌ای ضرورت دارند و به ترجمه و انتقال و جهانی شدن اثر و نیز تسهیل استفاده از آن، فوق‌العاده کمک می‌کنند.
۶. برای رؤیت نسخه‌ها، به ویژه نسخه‌هایی که اطلاعات مربوط به آنها در فهرست‌نامه‌ها، ناقص و مبهم یا متناقض است، چه ترتیبی اتخاذ خواهد شد؟ مستحضرید که امروزه، به تصاویر موجود در نسخه‌ها، مثلاً نقشه‌های مرادد الاطلاع یا نقشه‌های فلکی و شکل اسطرلاب و... در قانون مسعودی و تشریح الافلاک و مینیاتور در شاه‌نامه، اهمیت فراوانی داده می‌شود.
۷. تصور می‌کنم در چین کار گسترده‌ای، تدوین دائمی «مستدرک» برای نسخه‌های مکتوب و انتشار و پیرایش جدید نسخه الکترونیک در دوره‌های کوتاه مدّت نیز ضرورت دارد.

ارادتمند

محمد هادی خالقی

۸۵/۶/۲۶

❖ علیرضا ذکاوتی ❖

... سلام علیکم

امید است ان شاء الله در عین تندرستی و شادکامی و قرین توفیقات عالیه معنوی و الهی بوده باشید. راجع به طرح «کتابشناسی بزرگ شیعه» اصل مطلب نیت خیر لازم است و مفید و مورد تأیید همه اهل تحقیق. منتهی فکر چند چیز را بکنید:

الف) چند تا آدم اهل علم، مطمئن، عاشق این کار مثل خودتان که نخواهد از این کار برای خود کیسه ای بیندوزد یا قبائی بدوزد پیدا کنید. زحمتکش، دلسوز... به طوری که خودش را واقعاً به معنی کلمه وقف این کار کند. لطفاً کلمات را در معانی واقعیش بخوانید. به قول امام صادق علیه السلام بیابید به «نوی» بگویم «نوی» و به «حصی» بگویم «حصی». وقتی می گویم «اهل علم، مطمئن...» یعنی اطلاق المطلق بنصرف الی فرد الکلمه.

ب) مسأله بسیار مهم دیگر، چند بار کردن روی یک موضع است الآن روی موضوع ما نحن فیه، بالاخره به نحوی از انحاء دایره المعارف تشیع و دایره المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام... و غیره و غیره دارند کار می کنند. یک عده هم دارند فهرست های نسخ خطی تلفیق می کنند (آقای احمد منزوی، آقای ریشه... و غیره) به هر حال این کارها به هم مربوط است و جاهایی یکدیگر را می پوشاند چرا مؤسسه شما و آنها نباید به نحوی هماهنگی و تقسیم کار کنید که دوباره و سه باره و چهارباره کاری نشود؟ مگر چند آدم اهل فن در ایران هست؟

ج) مسأله دیگر فهرست نگاری در کشورهای شوروی سابق (تاجیکستان، قفقاز، ازبکستان، ترکمنستان...) و افغانستان (حالا هند و پاکستان قدری کار شده) و سایر کشورهای اسلامی است. تا این کارها انجام نشده آن کاری که شما می فرمایید ناقص خواهد بود ولو اینکه فقط روی شیعه امامیه بخواهید تمرکز کنید، آیا احتمال نمی دهید نسخه ای از شیخ طوسی یا صدوق یا مفید که فکر می کنید از بین رفته در تاجیکستان یا افغانستان (هزاره جات) یا آذربایجان باشد؟ آیا انتشار فهرستهای اخیر یمن در ۵۰ سال اخیر خیلی از تحقیقات زیدی و اسماعیلی را در مواردی زیر و رو نکرد؟ در مورد شیعه امامیه هم درست است که ماکتب اصلی و متون مطلب را داریم اما اگر شما می خواهید مطلب را استقصاء بفرمایید موقوف بر انتشار فهرس کشورهای مجاور است. خیلی از کتابها در دهات و قصبات و شهرهای دور و یا در خانه هاست.

عرض کردم و تأکید می کنم نیت بسیار عالی است، همت شما هم حقاً بلند است و یکی از محققان واقعاً زحمتکش هستید بنده اهل مجامله نیستم و کارهای شما را دوست دارم و دقیق می خوانم. اما شما پنج یا ده نفر مثل خودتان پیدا کنید. بنده که نمی شناسم شاید هم باشند. البته عدم وجدان دلیل عدم وجود نیست. بنده مشکلات را عرض می کنم.

خواهش مندم این کلمات خیر خواهانه را که در عین نقاهت و کسالت طولانی نوشتم - چون مدتی است مریضم و نمی توانم خیلی کار کنم - حمل بر هیچ چیز نفرمایید جز اینکه واقعاً دوست دارم کاری که می فرمایید انجام شود. نه اینکه انجام نشود. اما به نحو احسن انجام شود. پس مقدمتاً همتی بکنید که در همین ایران و غیر ایران هر جا دستتان می رسد - اقلأ کتابخانه های فهرست نشده شخصی و عمومی فهرست شود. کاری که شما چند مورد بخوبی انجام داده اید. این فعلاً واجب تر است و مقدمه واجب همان کاری است که بزرگترش را می خواهید انجام دهید. نمی دانم چقدر توانستم ما فی الضمیر را برسانم در حد اطلاع محدود و ناقص خودم بود.

﴿ آیه الله جعفر سبحانی ﴾

فهرست نگاری میراث مکتوب شیعه

در پهنهٔ زمان، پیوسته حاکمان از نشر فرهنگ شیعه جلوگیری به عمل آورده و احیاناً میراث فرهنگی آنها را نابود می‌کردند، اکنون که فضای نیمه بازی برای معرفی این مکتب پدیده آمده است، بسیار شایسته است که عالمان فرهنگ‌شناس شیعه برای معرفی آن اقدام مؤثر بنمایند.

البته در گذشته‌ای نه چندان دور، مورخ بزرگ و کتابشناس معروف شیعه مرحوم آغا بزرگ تهرانی دست به این کار بازیده و اثر بزرگی از خود در ۲۵ جلد به نام «الذریعة الی تصانیف الشیعة» به یادگار نهاده است، ولی باید به دو مطلب توجه نمود:

۱. در دوران نگارش «الذریعة»، فهرس کتابخانه‌های بزرگ کمتر منتشر شده و شناخت کتاب کار آسانی نبود، ولی اکنون که چنین امکاناتی در اختیار فرهنگ نگاران ما هست، شایسته است برای نشر میراث مکتوب شیعه در طول چهارده قرن گروهی تشکیل شوند تا بتوانند به معرفی شیعه از طریق جمع آوری اسامی کتب و خصوصیات آنها از مطبوع و مخطوط پردازند و دین خود را نسبت به پیروان ائمه اهل بیت علیهم‌السلام که پیوسته با امکانات کم، عظیم‌ترین آثار اسلامی را به یادگار نهاده‌اند، ادا کنند.

۲. پس از درگذشت مرحوم آغا بزرگ کاروان تألیف و نشر کتب شیعی سرعت بیشتری گرفته و آثار فراوانی به خامهٔ محققان و عالمان شیعی منتشر شده است که طبعاً باید در فهرستگان و فرهنگ‌های جدیدی عرضه شوند.

امروز طبق آمار موجود یک میلیون نسخهٔ خطی از کتب اسلامی در کتابخانه‌های غرب موجود است، طبعاً بخشی از اینها مربوط به آثار شیعی است که دلالتان با زیرکی‌های خاصی آنها را به خارج منتقل کرده‌اند. مرحوم آیه الله حجت، با زحمات طاقت‌فرسا توانست اجزای پراکندهٔ کتاب تفسیر «التبیان» را از نقاط مختلف ایران گرد آورده و مجموعهٔ کامل آن را منتشر کند، ولی اینجانب در ایالت نیوجرسی آمریکا برخی از اجزای خطی «التبیان» را به چشم خود دیدم.

مسئلاً برخی از کتابخانه‌ها در هند و پاکستان و یمن، نسخه‌های خطی فراوانی دارند که متأسفانه در آستانهٔ نابودی است. باید گروهی برای فهرست نگاری و در صورت امکان به اخذ میکروفیلم از آنها اقدام کنند و سپس به احیای آنها پردازند.

البته ما در این مورد از دوستی از دست رفتهٔ خود محقق و کتابشناس بزرگ، آقای سید عبدالعزیز طباطبایی یاد می‌کنیم که در حال تهیه تکمه‌ای برای «الذریعة» بود. روحش شاد و یادش گرامی باد.

با توجه به تشنگی فراوان در نقاط مختلف جهان برای شناخت شیعه، این یکی از شیوه‌هایی است که می‌تواند شیعه را در جهان معرفی کند و پردهٔ جهل و تاریکی را از چهرهٔ این آیین ناب بردارد.

اینجانب پس از آگاهی از عزم راسخ گروهی برای فهرست نگاری میراث مکتوب شیعه بر آن شدم که با تقدیم نامه‌ای در این کار خداپسندانه شرکت نموده و آنان را بر پوییدن این راه تشویق نمایم.

قم - مؤسسهٔ امام صادق علیه‌السلام

جعفر سبحانی

۸۴/۹/۲

✦ عبدالحسین طالمی ✦

به نام خداوند لوح و قلم برآورنده کائنات از عدم

توفیق خواندن چکیده طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه نصیب شد. در این قحط بازار همت و پشتکار و حوصله و ابتکار، چنین طرحی جای تقدیر و تشکر دارد، از ناحیه اساتید و بزرگان، نه خردکی چون من، دانش آموز ابجدخوان.

اما بهتر است از این سخنان بگذریم و به مصداق «من حذرک کمن بشرک»، به دشواری‌هایی بیندیشیم که در پیش است و راه رفع آنها، بدیهی است که تمام نکاتی که گفته می‌آید، فرع بر قبول ضرورت - بل و جوب فرهنگی - این اقدام مهم است که تاکنون زمین مانده بود.

۱. در برنامه چنین مؤسسه‌ای، تداوم کار، اصل الاصول است، چرا که روزآمد شدن - با توجه به پدیده «انفجار اطلاعات» - مهم‌ترین ضرورت است. این تداوم و روزآمدی در دنیای کار علمی، به این شیوه عملی می‌شود که کارهای بلند مدت، بر شخصیت حقوقی دانشمندان و اندیشمندان مترتب می‌شود، نه شخصیت حقیقی آنها. بدین سان، یک مؤسسه کار یک استاد را پی می‌گیرد و تا ده‌ها سال پس از درگذشت او، کارها هم چنان به نام آن استاد عرضه می‌شود، چنان که نمونه‌ای از این قضیه را در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا می‌بینیم. و کاش در مورد موسوعه الذریعه نیز چنین می‌بود.

به هر حال برای این تداوم، باید به راهکارهایی جدی اندیشید. شاید مناسب باشد که در نسخه دوم این طرح پیشنهادی، متن چند پرسش به طرح ضمیمه شود، که یکی از آنها، راهکارهای تداوم این طرح و برنامه است.

۲. در دنیای امروز، کارهای علمی سنگین را با تعریف درست و برنامه‌ریزی دقیق - که همان مرحله را به تعبیر جناب استاد دکتر عباس حوزی، گاه تا نود درصد می‌توان دانست - به صورت مجموعه‌ای از ریز موضوع‌ها در می‌آورند، تا این که کار، با دقت بیشتر، درون مایه ژرف‌تر و با رعایت تخصص‌ها بهتر ثمر دهد.

نمونه راه، به کارهای چندین ساله جناب استاد مختاری در مورد شهید اول و شهید ثانی بنگرید، که به این تخصص شناخته شده است. باری، چنان شکلی، مطلوب‌تر است تا این که موضوعی گسترده با تحقیقی متوسط، پیگیری و ارائه شود. چنین برنامه‌ریزی، نیاز به مشاوره‌های سنگین و فشرده دارد، که کار مؤسسه مربوط را در جنبه فکری و علمی بسیار سنگین می‌کند.

۳. شاید ثبت شدن این مؤسسه به عنوان پژوهشکده غیر دولتی یا سازمان علمی غیر دولتی (N.G.O) گامی در راه تداوم یاد شده باشد. با توجه به نقش و جایگاه کلیدی این گونه سازمان‌ها در نظام علمی جهانی - و از جمله در داخل ایران - بد نیست که به آن بیندیشید.

۴. تجربه‌های مدیریت فرهنگی را باید پاس داشت و از آن بهره گرفت با توجه به کمبود مدیران فرهنگی موفق و دقیق در کشور ما، این تجربه‌ها به بهایی سنگین دستیاب شده و حیف است که نادیده گرفته شود. البته ماهیت کار کتابشناسی بزرگ شیعه، جهانی شدن آن را می‌طلبد. ولی به هر حال، هسته مرکزی این کار بزرگ، هم چنان در داخل کشور است. از این رو، مسائل و روش‌های تجربه شده در داخل، فایده‌ای دو چندان می‌یابد. از سوی دیگر، فقر

فرهنگ کار جمعی در کشور ما و جوان بودن دانشنامه‌ها، انگیزه‌ای است تا تجربه‌های آنها را دریابیم و راه‌های طی شده را بار دیگر از آغاز نیماییم، که آزموده را آزمودن خطاست.

۵. ضرورت همان تداوم، استقلال و پشتوانه اقتصادی را می‌طلبد. تجربه مفید مدیر دایرة المعارف بزرگ اسلامی در تأمین این پشتوانه، می‌تواند سرمشق خوبی برای سازمان‌های مشابه باشد. همین سان، حضور مشاوران و مدیران مالی لازم است که همگام با پیشرفت علمی کارها، وضع اقتصادی مؤسسه را - به ویژه با نگاه ژرف به آینده - از نظر دور ندارند.

۶. مدیریت بر اوقات فراغت محققان، برای همکاری پاره وقت با آنها، در برابر مشکل کمبود نیروی ورزیده و مجرب، راه‌گشا تواند بود. البته این گونه مدیریت، دشوار است، چنان که افتد و دانی. جمع بین سلائق و علائق گوناگون علمی، آسان نیست ولی ثمرهای شیرین دارد.

۷. آنچه در بند دوم مطرح شد، می‌تواند از طریق همکاری برنامه‌ریزی شده با مراکز دانشگاهی، حوزوی، پژوهشی و انجمن‌های علمی غیردولتی پیش برود. مثلاً: ارائه بعضی از بخش‌های کارها به شکل تک‌نگاری در قالب پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی، یا استفاده از اعضای انجمن‌های علمی در رده‌های گوناگون. خوشبختانه انجمن‌های علمی وابسته به حوزه در داخل قم، یا شعبه استانی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در قم - که این کمترین افتخار همکاری با آن را دارد - نیروهای جوانی در اختیار دارند که می‌توان با هدایت علمی آنها، به دو هدف به طور همزمان دست یافت: تربیت علمی آنها از یک سو، و پیشبرد منطقی کار کتابشناسی بزرگ شیعه از سوی دیگر.

۸. شیوه دانشنامه‌های معتبر جهانی در ارائه خروجی‌ها، شیوه «رشد جینی» است. یعنی ابتدا تمام کار را در یک سطح مختصر ارائه می‌کنند، سپس به تدریج داده‌ها را گسترش می‌دهند. در نتیجه، کمیت و کیفیت کارها همزمان بالا می‌رود، و به گونه آهسته و پیوسته پیش می‌رود. تجربه تلخ دانشنامه‌های داخلی که کار را از اول به طور سنگین آغاز می‌کنند و خروجی آنها دیر هنگام به دست می‌آید، مؤید شیوه رشد جینی است.

۹. آغاز هر کاری با آغاز انتقادهای سالم و غیرسالم، همراه است. انتقادهای غیرسالم را نباید شنید (لایخافون فی الله لومة لائم). ولی در برابر انتقادهای سالم، می‌توان خاضعانه و متواضعانه گفت: «حرف مرد، دو تاست».

تصحیح و بازبینی پیوسته شیوه‌ها، منابع، مطالب و... لازمه چنان‌کار علمی سنگینی است. از باب نمونه، به دانشنامه‌ی یکی پدیا می‌توان نگریست که با شیوه‌ای متفاوت از تمام دانشنامه‌های فعلی پیش آمده و بی‌توجه به طعنه‌ها و مسخره‌ها پیش می‌رود و تنها به اصول برنامه‌ریزی شده خودش اتکا دارد، که در همان چارچوب همواره به بازبینی و تصحیح آنها می‌پردازد و حرکتی علمی جدید و ابتکاری آغاز کرده است. (بنگرید: مقاله آقای محمد سمیعی در نشریه: کتاب ماه کلیات، شماره ۹۹ و ۱۰۰).

۱۰. این همه گفتیم، لیکن در بسیج / بی‌عنایات خدا هیچیم، هیچ کاری که برای یاری دین خدا آغاز شده، مهم‌ترین پشتوانه آن، نصرت الهی است. که خدای بزرگ و عده قطعی داده است: «ان تنصروا الله ینصرکم و یشد اقدامکم». و از آنجا که برای یاری عترت پیامبر ﷺ است، امید که مؤید به تأیید حضرت خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه باشد که به آن مرد مدافع دین، در آن بیابان خلوت و تنهایی فرمود: «نصرتنا فنصرناک، و لینصرن الله من ینصره» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۵).

توفیق تمام دست‌اندرکاران این طرح عظیم و نیز توفیق خود را در همکاری با آن، از خدای تعالی خواهانم.

عبدالحسین طالعی

مهر ۱۳۸۵

❖ سید حسن فاطمی ❖

بسی مایه خوشحالی است که طرح کتابشناسی بزرگ شیعه با مدیریت فاضل گرانقدر جناب حجت‌الاسلام و المسلمین رضا مختاری عملی می‌گردد. جناب ایشان همواره در امور مشابه از سوی نهادهای فرهنگی مختلف، مورد مشورت قرار می‌گیرد اما از باب امتثال امر چند جمله در مورد تدوین این کتابشناسی عظیم یادآور می‌شوم. امید است مفید افتد.

سرعت

در پروژه‌های بزرگ، سرعت در عمل، از امور مهم به شمار می‌رود. لازمه دیر به سامان رسیدن، تعویض مسئولیتها، تغییر سلیقه‌ها، دوباره کاریها و در نتیجه تحمیل هزینه‌های سنگین است و چه بسا مانند برخی دائرةالمعارفها ناتمام بماند. بدین منظور چند نکته را یادآور می‌شوم:

۱. اجتناب از اعمال سلیقه‌های شخصی. در معرفیها از چند امر مهم نمی‌توان غفلت کرد، مانند درج شناسنامه کتابهای چاپی، معرفی نسخه‌های خطی هر کتاب، معرفی شرحها و ترجمه‌ها و ... غیر از مواردی که استانداردی ندارند نباید اعمال سلیقه کرد و نظر نهایی به عهده نویسنده مقاله یا ویراستار گذاشته شود. برخی اعمال سلیقه‌ها هزینه‌های سنگین و تأخیر زیاد را در پی دارد.

۲. دوری از افراط در دقت. کتابشناسیها و نسخه‌شناسیهای گسترده بدون لغزش نمی‌مانند و مسئولان این دانشنامه نباید انتظار داشته باشند کاری به این بزرگی را بی‌نقص تحویل دهند. دقت باید در سطحی باشد که لغزشهای فاحش راه نیابند و دانشنامه پس از چاپ، از اعتبار ساقط نشود و از سوی دیگر به قدری افراط در دقت صورت نگیرد که به مجموع کار ضربه بزند و حتی پروژه به سامان نرسد.

۳. تعیین هندسه مقالات و عنوانهای فرعی. پیشاپیش عنوانهای فرعی تعیین گردد و مقاله‌نویس ذیل مدخلها به معرفی کتاب بپردازد. مدخلهای فرعی که فعلاً در نظر است و در عمل حکم و اصلاح خواهند شد، عبارتند از: شناسنامه، شرح حال، محتوا، نکته‌ها، کتابهای وابسته (شرحها، ترجمه‌ها، رديه‌ها و...)، نسخه‌های خطی، چاپهای قبل، ویژگی تحقیق، فهرستها، در دیگر منابع (منابعی که کتاب مورد نظر را معرفی کرده‌اند)، عنوانهای دیگر (عنوانهای دیگری که کتاب با آنها چاپ شده یا به آنها شهرت دارد)، مآخذ.

با این شیوه این ثمرات حاصل می‌شود: آسان‌تر شدن معرفی برای محقق، آسان شدن ویرایش و عدم نیاز به بازنویسی، بالا رفتن سرعت، سهل الوصول شدن برای خواننده.

۴. عدم انتظار جامعیت. اگر بنا باشد چاپ کتاب به قدری تأخیر افتد که اطمینان حاصل شود همه کتابهای شیعی

معرفی شده‌اند، بعید است این کار به نتیجه برسد. گفته شده: شیخ آقابزرگ تهرانی در تلاش شصت ساله تنها توانست پانزده درصد کتابهای شیعه را بشناساند. اگر وی می‌خواست منتظر بماند که پس از شناسایی همه کتابهای شیعی، ذریعه را به چاپ رساند، معلوم نیست امروز همین مقدار هم در دسترس ما بود. اگر در این دانشنامه بتوان این پانزده درصد را به شصت، هفتاد درصد رساند، کاری بزرگ و ستودنی تحقق یافته است.

۵. استفاده از اهل فن و علاقه‌مند. به کارگیری افرادی که از شرایط لازم جهت تحقیق برخوردار نیستند، دوباره کاریهای زیاد، کند شدن پیشرفت و هزینه‌های اضافی را به دنبال دارد و چه بسا کار از اساس لطمه ببیند. پرداخت حق الزحمه بیشتر به افراد کاردان نوعی صرفه‌جویی است نه زیاده‌روی.

غرض از خبره، سرشناس نیست. بسیاری افراد مشهوری که از عهده معرفتی فنی کتاب بر نمی‌آیند. اگر دانشنامه از استحکام متعارف و مقبول برخوردار باشد، جای خود را باز خواهد کرد هر چند توسط نویسندگان گمنام به انجام رسیده باشد.

پرهیز از ارزش‌گذاری

در جایی نقد کتاب، مناسب است که زمینه برای دفاع از سوی نویسنده آن یا طرفدار او فراهم باشد. در اینجا که چنین زمینه‌ای فراهم نیست، پرهیز از نقد، اولی است. نه تنها انتقاد بلکه ستایش و مدح هم جا ندارد. در معرفیها، ویژگیهای هر کتاب شمرده می‌شود و قضاوت به عهده خواننده گذارده می‌شود.

از این گذشته کسی می‌تواند کتابی را از جهت علمی ارزش‌گذاری کند که تخصص او از نویسنده آن کتاب، بالاتر یا دست کم برابر با او باشد؛ مثلاً اگر بخواهیم ارزش علمی کتابی فقهی، استدلالی را تعیین کنیم تنها به وسیله مجتهد می‌توان چنین ارزش‌گذاری را انجام داد. آیا این مرکز می‌تواند برای تعیین ارزش انبوهی از کتابهای فقهی، مجتهدان فراوان را جذب کند؟ فقه تنها یکی از رشته‌ها است. در رشته‌های فراوان علوم اسلامی و غیر اسلامی این مشکل وجود دارد.

در مورد کتابهایی که لغزشهای فاحش و مهم دارند، نوعاً علیه آنها ردیه‌هایی نوشته شده و معرفی ردیه‌گویی لغزش در آن کتابها است.

از اینها گذشته اساساً دائرةالمعارف جای تجلیل و تقیص نیست.

کتابهای غیر امامیه

اگر بنا شد کتابهای شیعیان غیر امامی هم معرفی شوند، نباید به صرف توضیح در لابه‌لای متن مقاله، بسنده کرد؛ زیرا برخی خوانندگان، همین که نام کتابی را در چنین دانشنامه‌ای می‌بینند آن کتاب را از آثار شیعه امامی می‌پندارند و حتی ممکن است پس از مطالعه، از چند کلمه‌ای که غیر امامی بودن نویسنده، نشان داده شده، غفلت کنند. بنابر این پیشنهاد می‌شود هنگام معرفی کتابهای زیدیه و اسماعیلیه علامت خاصی انتخاب شود. مثلاً کلیشه‌ای به صورت کادر کوچک درست شود که در آن حرف ز نوشته شده و پیش از عنوان کتابهای زیدیه گذارده شود و پیش از عنوان کتابهای اسماعیلیه، همان کادر با حرف س درج گردد.

نویسندگان ناشناس

از مشکلات بزرگ در این راه، شناسایی مذهب بسیاری از نویسندگان است. کسانی که پس از تلاش لازم، مذهبشان معلوم نشد، اگر به کمک قرآنی می‌توان تشیع نویسنده را احتمال معقول داد، کتابشان معرفی شود و علاوه بر توضیح در متن، پیش از عنوان کتاب، کادری که در آن علامت سؤال است، گذارده شود. حتی اگر کتابی در منابع مهم مانند ذریعه و اعیان الشیعه به عنوان کتابی شیعی معرفی شده، اما برای تدوین‌کنندگان این دانشنامه، شیعه نبودن نویسنده، معلوم شد، باز هم معرفی شود و با دلیل، شیعه نبودن نویسنده ثابت گردد. البته با گذاردن علامت پیش‌گفته قبل از عنوان کتاب. این شیوه نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران دانشنامه، از کتاب مورد بحث، غفلت نکرده‌اند و اشتباه دیگران بر طرف می‌شود. دیگر اینکه ممکن است محقق با تتبع بیشتر نشان دهد که آن کتاب از آثار شیعی است.

اطلاع رسانی کامل

گذشته از معرفی محتوا از تمام جهات، شناسنامه کتابها به صورت کامل بیان شود. در شناسنامه هر کتاب، ذکر موارد زیر مناسب است:

عنوان کتاب، نویسنده، مترجم یا محقق، ویراستار، محل نشر، ناشر، حروف چینی، لیتوگرافی، طراح جلد، چاپخانه، نوبت چاپ، شمارگان، سال چاپ، سال تألیف و سال تدوین مقدمه، تعداد صفحه، قطع، نوع جلد، قیمت، موضوع، زبان.

فهرستها

درج فهرستهای مختلف در پایان هر جلد، خواننده را ناچار می‌کند که برای یافتن مطلب مورد نظر، فهرستهای متعدد را بکاود. جا دارد فهرستها در پایان هر حرف، بیایند و در صورت کم بودن حجم برخی حرفها، در پایان چند حرف بیایند. در این صورت می‌توان فهرست چند جلد را در مجلدی مستقل نشر داد و خوانندگانی که بی‌نیاز از این فهرستها هستند می‌توانند آن را تهیه نکنند.

گستره کتابها

انقلاب اسلامی بلکه انقلاب شیعی ایران و نیز مقاومت مردم ایران در جنگ، نقطه عطفی در تاریخ اسلام و افتخار بسیار بزرگی برای تشیع است. تنها پرداختن به آثار پیش از سال ۱۴۰۰ ق، سبب می‌شود که چنین دانشنامه‌ای برای محققان در عرصه انقلاب و جنگ تحمیلی، سودمند نباشد. دیگر اینکه پس از انقلاب به ویژه در دهه پانزده سال اخیر، شیعیان پاره‌ای کتابهای ارزنده، مانند دائرة المعارفها و دانشنامه‌ها، تدوین کرده‌اند که نظیری برای آنها در آثار پیشینیان نمی‌توان یافت. بنابر این معرفی کتابها تا سال ۱۴۳۰ هـ ترجیح دارد. اگر امروز این آثار را معرفی نکنیم، همان مشکلاتی که ما با آثار قرون گذشته، مانند تعیین مذهب نویسنده، داریم، آیندگان نیز همین مشکلات را با آثار عصر ما خواهند داشت.

شیوه چاپ

پیش‌بینی می‌شود هنگام تدوین این دانشنامه هرچه دست‌اندرکاران جلوتر بروند به اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری در مورد قسمتهایی که قبلاً کار شده، دست می‌یابند و از سوی دیگر نمی‌توان چاپ کتاب را به پس از اتمام حرفی موکول کرد. با توجه به اینکه امروزه چاپ کتاب، «نقل الصخر عن قلال الجبال» نیست، جادارد هرگاه حجم هر قسمت، به حدود سه برابر حجم ذریعه رسید کتاب در تیراژ محدود به چاپ رسد. مثلاً در ذریعه کتابهایی که با حرف آ شروع می‌شود ۲۷۴ مورد است. هنگام تدوین این دانشنامه وقتی کتابهای حرف آ به حدود هشتصد مورد رسید، به چاپ سپرده شود و اواسط کار وقتی به اضافات قابل توجه دست یافته شد، با ویرایش جدید و اضافات چاپ شود.

مجله کتابشناسی شیعه

با توجه به گسترده‌گی این پروژه، مسلماً دست‌اندرکاران، به مطالب سودمندی در مورد کتابهای شیعی برمی‌خورند که دانشنامه محل طرح آنها نیست. مثلاً نویسنده‌ای که خارج از آیین‌نامه دست به قلم برده و کتاب مهمی را معرفی کرده، ممکن است نوشته‌ای عالی تهیه کرده باشد اما جای چاپ آن در دانشنامه نیست. یا اینکه دست‌اندرکاران دانشنامه، طی جلساتی با فضلاء دیدگاه آنها در مورد کتابهای شیعی جویا می‌شوند. پاره‌ای مطالب علمی مطرح در این جلسات، قابل درج در دانشنامه نیست. مسلماً برای دست‌اندرکاران این دانشنامه، سفرهایی پیش می‌آید که درج خاطره آنها می‌تواند مفید باشد و...

با نشر مجله‌ای می‌توان مطالب مذکور و موارد مشابه را در آن درج کرد. همچنین در این مجله می‌توان پاره‌ای مشکلات علمی بر سر راه را مطرح و از دیدگاه صاحب‌نظران جویا شد.

احیای متون

لازمه گسترده‌گی فعالیت مرکز شیعه‌شناسی، دست یافتن به نسخه‌های خطی ارزشمند شیعی است که تاکنون منتشر نشده‌اند. تحقیق و نشر این قبیل آثار و نیز حمایت از محققان در این عرصه، می‌تواند جزء فعالیت‌های این مرکز قرار گیرد.

با آرزوی توفیق، سید حسن فاطمی

❖ نجیب مایل هروی ❖

با نام خداوند مهربان و مهربانی‌ها

دانشمند بزرگوار جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری سلام علیکم ورحمة الله تعالی، با تشکر از ارسال مؤلفات ارزشمندتان و طرح کتابشناسی بزرگ شیعه یا دانشنامه تاریخی/موضوعی آثار مکتوب شیعه به تفصیل می‌باید رأی زد و سخن گفت. از آنجا که این بنده با یک چشم می‌خوانم و... اگر چیزی به صورت امالی و ملفوظات یا به اصطلاح این ایام مصاحبه برای دفتر سوم نسخه پژوهی ضرورت

می‌افتد، در این خصوص نکته‌هاست. هم در عرض و نیز هم در طول. در مرکز تحقیقاتی عاشورا دو نمونه از مصادیق همچون بحثی زیر نظر گذشت به نام‌های:

۱. مؤلفات و نگارش‌های مولا فیض کاشانی که صورت رساله یافت و در مشهد رضوی به چاپ رسید.
۲. کشکول تمدن اسلامی در عصر صفوی، که کتاب‌شناسی تاریخی (هم در صورت متن و نیز هم در صورت نسخه خطی و چاپی) / موضوعی آثار شیخ بهائی بود. صورت اولیه این تحقیق هم اکنون در مرکز نامبرده موجود است که توجه به روش آن پُر بَدَک نیست.

این همه که نوشتیم به لطف حق بود. سپاس دادش را و سپاس نادادش را. در مورد طرح مورد نظر، به شرفیت و غربیت آن معطوف باشید. از خداوند برای شما توفیق انجام چنین کاری را به صورت کاملاً علمی / تحقیقاتی مسئلت دارم.

ن. مایل هروی

۸۵/۵/۲۲

♦ دکتر مهدی محقق ♦

با سلام و احترام

نامه شریف همراه با طرح تدوین کتاب‌شناسی بزرگ شیعه زیارت شد. این کار بزرگ همتی عالی را که در وجود مبارک شماست می‌طلبید، امیدوارم که خداوند بزرگ توفیق انجام و اتمام آن را میسر گرداند بمنّه تعالی و کرمه.

با احترام و آرزوی توفیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی